



The Abdorrahman Boroumand Foundation

نه آزاد، نه منصفانه
انتخابات جمهوری اسلامی ایران از دیدگاه حقوق بین الملل

فرید حکمت
ترجمه دکتر هرمز حکمت



در آستانه دهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری ایران در سال ۱۳۸۸، بنیاد عبدالرحمن برومند مقاله ای تحقیقی در باره نظام انتخاباتی جمهوری اسلامی ایران به زبان انگلیسی منتشر کرد تا افکار عمومی جهان را از قوانین و سازکار انتخابات در ایران مطلع سازد. این مقاله حقوقی قانون انتخابات را در چارچوب قانون اساسی کشور و در مقایسه با معیارهایی بررسی می کند که حقوق بین الملل برای محک زدن منصفانه و آزاد بودن انتخابات تعیین کرده است. این بررسی به سه بخش تقسیم می شود.

بخش اول مروری است بر تحولاتی که در نیم قرن اخیر در قانون بین الملل در رابطه با مسئله انتخابات صورت گرفته است. در این بخش بر اهمیت روزافزون آزادی انتخابات، و حقوق فرد در تعیین سرنوشت خویش، از دیدگاه حقوق بین الملل و ارتباط تنگاتنگ و نوین مشروعیت بین المللی یک حکومت و انتخابات آزاد و منصفانه تأکید شده است.

بخش دوم این مقاله به بررسی تطبیقی قانون انتخابات جمهوری اسلامی ایران و قوانین بین المللی مربوط به انتخابات پرداخته، و نقائص و کمبود های این قانون و عرف انتخاباتی در جمهوری اسلامی ایران را از نظر حقوقی به دقت تحلیل کرده است.

بخش آخر پاسخی است به این استدلال که: "نباید در رابطه با انتخابات، جمهوری اسلامی ایران را با کشور های دموکراتیکی مانند سوئد و دانمارک مقایسه کرد." گو اینکه در اصل چنین استدلالی مغالطه آمیز است، زیرا مبتنی بر این فرض ناگفته است که استحقاق مردمان سوئد و دانمارک برای تعیین سرنوشت خود بیشتر از ایرانیان یا دیگر ملل جهان سوم است، با این وجود فرید حکمت حقوق دان همکار بنیاد برومند، در پایان مقاله اش به مقایسه نظام های انتخاباتی جمهوری اسلامی ایران و دو کشور مسلمان پاکستان و مالزی پرداخته است. نتیجه این بررسی تطبیقی این است که حتی در نظام های نه چندان دموکراتیک و آزاد مالزی و پاکستان قوانین مربوط به انتخابات پیشرفته تر و مردم سالار تر از جمهوری اسلامی ایران است.

بحران حاصل از انتخابات دوره دهم ریاست جمهوری ایران و انتخابات مجلس شورای اسلامی سال ۱۳۹۱ بحث در مورد شرکت در انتخابات را در میان فعالان سیاسی و مدنی و همچنین شهروندان کشورمان دامن زد. به همین دلیل بنیاد برومند تصمیم گرفت که بررسی حقوقی

نظام انتخاباتی جمهوری اسلامی ایران را به زبان فارسی ترجمه و برای غنای بحث، به ویژه در رابطه با حقوق بین الملل، در اختیار علاقمندان قرار دهد.

جمهوری اسلامی ایران، در پاسخ به کسانی که رفتارش در جامعه بین‌المللی، و کارنامه‌اش در زمینه حقوق بشر، را مورد انتقاد قرار می‌دهند ادعا می‌کند که نظامی دموکراتیک است. رهبران رژیم انجام انتخابات ادواری رئیس‌جمهوری و نمایندگان مجلس شورای اسلامی را از دلایل اثبات این ادعا می‌شمرند. در ظاهر و در مقایسه با بیشتر کشورهای خاورمیانه چنین ادعایی پذیرفتنی به نظر می‌رسد. انتخابات مجلس شورای اسلامی و رئیس‌جمهوری در ایران تا کنون به گونه‌ای منظم و ادواری و با شرکت شماری قابل توجه از نامزدهای نمایندگی و ریاست جمهوری برگزار شده است. در این انتخابات فعالیت‌های تبلیغاتی و رقابت بین نامزدهای واجد صلاحیت نیز مجاز شناخته می‌شود.

اما، با توجهی دقیق‌تر و نگاهی ژرف‌تر به ادعای رهبران جمهوری اسلامی روشن می‌شود که در انتخابات برگزار شده در ایران نشانی از احترام به بسیاری از اصول حقوق بین‌الملل و به حاکمیت عالیۀ ملت نیست. نه تنها احزاب سیاسی و رسانه‌های مستقل، که از نهادهای ضروری برای شرکت مؤثر شهروندان در انتخابات به شمار می‌آیند، حضوری در عرصه سیاسی ندارند، صلاحیت نامزدهای ریاست جمهوری و نمایندگی مجلس شورای اسلامی نیز باید از سوی شورای نگهبان تأیید شود، و شهروندان برای شرکت در انتخابات تحت فشار قرار می‌گیرند. به این ترتیب، انتخابات عمومی جمهوری اسلامی را می‌توان مشابه انتخابات نمایشی‌ای دانست که در دوران جنگ سرد در اتحاد جماهیر شوروی و دیگر کشورهای بلوک شرق - که نام «جمهوری دموکراتیک خلق» را بر خود گذاشته بودند - برگزار می‌شد. به سخن دیگر، مجموعه‌ای از قوانین محدودکننده انتخاباتی از یک سو، و رد نامزدهای انتخاباتی توسط نهاد های غیرپاسخگو از سوی دیگر، شهروندان ایرانی را عملاً از حق شرکت آزادانه و آگاهانه در انتخابات عمومی محروم کرده است. در نتیجه، نظام جمهوری اسلامی را با هیچ تعریفی نمی‌توان یک نظام دموکراتیک شمرد. این داور به ویژه هنگامی تأیید می‌شود که انتخابات عمومی در جمهوری اسلامی را با انتخابات ادواری در دو کشور با اکثریت مسلمان، مالزی و پاکستان مقایسه کنیم. با مروری بر قوانین انتخاباتی و میزان استقلال و آزادی نهادهای سیاسی این سه کشور این واقعیت

تأیید می شود که نقش اراده و خواست شهروندان ایران در انتخابات عمومی بسیار کمتر از آن است که در نقش و اراده مردم مالزی و پاکستان می توان دید.

۱- دموکراسی، انتخابات و حقوق بین الملل

تا چندی پیش حقوق بین الملل با مقوله دموکراسی کمابیش بی ارتباط بود. در واقع، تا اواخر دهه ۱۳۶۰ خورشیدی (۱۹۸۰م) مسائل مربوط به قانون اساسی کشورها و چگونگی تشکیل نظام حکومتی جایی در حقوق بین الملل نداشت. اصل حاکمیت دولت که از اصول کلیدی حقوق بین الملل است دخالت جامعه بین المللی در امور داخلی کشورها، از جمله نوع نظام سیاسی آنها،^۱ را منع می کرد. با این همه، اصول تازه ای که مبنای احکام دادگاه های بین المللی نورنبرگ و توکیو در پایان جنگ جهانی دوم شد به تدریج راه را برای ایجاد پیوند بین دموکراسی و حقوق بین الملل گشود. از این پس قلمرو صلاحیت حقوق بین الملل از بررسی و دخالت در رفتار دولت ها با یکدیگر به تدریج فراتر رفت و رفتار دولت ها با شهروندانشان را نیز دربرگرفت و دیری نپایید که شأن و حقوق فرد در ساختار سیاسی هرکشور اهمیتی ویژه یافت. گرچه اصول ناظر بر دموکراسی هنوز بخش کاملی از حقوق بین الملل را تشکیل نمی دهند، روندی انکار پذیر به سوی پذیرفتن حق دسترسی انسان به «حکومت دموکراتیک» آغاز شده است.^۲ این روند بر موازین سنتی حقوق بین الملل از سویی و بر تفسیر جامعه بین المللی از قراردادها و میثاق های ناظر بر حقوق بشر از سوی دیگر، متکی است. فروپاشی دولت های کمونیستی اتحاد جماهیر شوروی و اروپای شرقی تحوّل تدریجی ایده دموکراسی را از یک آرمان بشری به یکی از موازین حقوق بین الملل شتاب بخشید. این تحول در عین حال از سه ایده حقوقی مجزا و در عین حال به هم پیوسته نیز نشأت گرفته است: حق مردم به تعیین سرنوشت خود، آزادی بیان، و سرانجام انتخابات شفاف و آزاد. در چنین چارچوبی است که موازین و شرایط لازم برای برگزاری انتخابات آزاد تعریف و تثبیت شده اند.

^۱ ن. ک. به:

American Law Institute, *Restatement (Third) of the Foreign Relations Law of the United States*, § 203, comment (e) (1987).

^۲ ن. ک. به:

Thomas Franck, "The Emerging Right to Democratic Governance," *American Journal of International Law* 86, (1992), 47.

الف) پیشینه تاریخی

حق انسان ها به تعیین سرنوشت نخستین و مهم ترین ایده های سه گانه بود که پس از جنگ جهانی دوم به یکی از پویاترین اصول حقوق بین الملل مبدل شد.³ با اتکای به این حق، "مردمی که با یکدیگر در دورانی طولانی، و در سرزمین معین و محدودی، زندگی کرده اند می توانند سرنوشت سیاسی خود را با رعایت اصول دموکراتیک رقم زنند."⁴ منشور سازمان ملل متحد این حق را به تصریح تأیید کرده و آن را پس از صلح بین المللی مهمترین هدف خویش شمرده است.⁵ با آغاز جریان استعمارزدایی از سرزمین های آفریقا و آسیا، حق مردم به تعیین سرنوشت خود به سرعت از یک آرمان نظری به پدیده ای عینی و مادی مبدل شد. سازمان ملل متحد در این دگرگونی نقشی کلیدی داشت از جمله با پذیرفتن قیومیت موقت سرزمین های استعماری و با نظارت بر انتخاباتی که در نهایت امر به استقلال این گونه سرزمین ها می انجامید. در سال ۱۳۴۶ (۱۹۶۷م)، تصویب «میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی»،⁶ حق تعیین سرنوشت را بیش از پیش تحکیم و تثبیت کرد. در واقع، این میثاق را باید مهم ترین و مشروع ترین ابزار حقوق بین الملل برای متحقق ساختن اصول دموکراسی شمرد. افزون بر این، میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی، که شامل تعریفی جامع و دقیق از ملزومات و موازین دموکراسی است، ره نشانه مهمی نیز در تحوّل و تثبیت حق مردم به تعیین سرنوشت، به عنوان حق تجزیه ناپذیر جوامع بشری، به شمار می رود. حق حاکمیت عالیۀ مردم-- «این مهم ترین نمودار دموکراسی»-- نیز پیوندی تنگاتنگ با حق مردم به تعیین سرنوشت خویش دارد.⁶ به کار بستن این حاکمیت مستلزم تفویض حق اعمال قوه قهریه از طرف شهروندان به حکومت است.⁷

بود یا نبود حاکمیت عالیۀ مردم نه تنها به عنوان مهم ترین ضابطه برای تشخیص ماهیت حکومت ها شناخته می شود بلکه به فهرست موضوع هایی پیوند خورده که در حوزه صلاحیت حقوق بین الملل قرار دارند. این فرض دیرینه که هر رژیم مسلط بر کشور را باید معرّف و مدافع

3. همان، ص ۵۴.

4. همان، ص ۵۲.

5. منشور سازمان ملل متحد، ماده ۲.

6. ن. ک. به:

Steven Wheatly, "Democracy in International Law," *International Comparative Law Quarterly* 51, (April 2002) p. 49.

7. ن. ک. به:

منافع مردم آن کشور شمرد دیری است که باطل شده.⁸ امروز، هنگامی دولت معرّف اراده ملت شناخته می شود که به نوعی نمایندگی اش را به دست آورده باشد.

دومین ویژگی حکومت مردمی در حقوق بین الملل تعهد هرچه ژرفتر به آزادی بیان سیاسی است. نیاز به چنین تعهدی به ویژه در اروپا، پس از تجربه رژیم های تمام خواه دهه های ۱۹۳۰ و ۱۹۴۰، احساس می شد. آزادی بیان نخست در اعلامیه جهانی حقوق بشر⁹ و سپس، با تفصیل بیشتر، در میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی گنجانده شد. این میثاق، علاوه بر تأکید بیشتر بر تأیید حق ملت ها به تعیین سرنوشت خود و نیز بر حاکمیت عالیّه مردم، به آزادی ها و حقوقی به تفصیل اشاره کرد که برای تحقق یک دموکراسی واقعی ضروری است: آزادی تشکلات و تجمعات و آزادی حرکت و بیان. تدوین کنندگان میثاق در ماده ۱۹ آن (حق آزادی وجدان) بر اهمیت نقش آزادی های سیاسی تأکید کردند، در ماده ۲۱ بر حق تجمع آرام و در ماده ۲۲ بر حق تجمع و تحرّب و سرانجام در ماده ۲۵ بر حق مشارکت مستقیم یا غیرمستقیم شهروندان، بدون هیچگونه تبعیضی، در تصمیم گیری های دولتی، حق رأی دادن و انتخاب شدن در انتخابات عمومی، ادواری و اصیلی که معرّف اراده رأی دهندگان و عقاید آنان باشد، و سرانجام، حق شهروندان در بهره وری از خدمات دولتی.¹⁰ گرچه هر یک از این حقوق و آزادی ها به تنهایی اهمیتی ویژه دارد، مجموع آن هاست که می تواند به ایجاد فضایی باز و متنوع بینجامد که شرط ضروری برای تشکیل یک نظام دموکراتیک واقعی است.

آخرین رکن یک حکومت دموکراتیک واقعی «پیدایش یک نظام کارای انتخابات ادواری و مشارکتی است.»¹¹ عجیب نیست اگر به ضرورت وجود چنین رکنی نخستین بار در اعلامیه جهانی حقوق بشر اشاره شده باشد. این اعلامیه حق هر انسانی را به شرکت در عرصه سیاسی کشور، از راه انتخابات واقعی به رسمیت شناخت؛ «اساس و منشاء قدرت حکومت، اراده مردم

Gregory H. Fox and Brad R. Roth (eds), *Democratic Governance and International Law*, (Cambridge: Cambridge University Press, 2000), 49.

⁸. ن. ک. به:

Fox and Roth, *Democratic Governance and International Law*, 507.

⁹. ماده ۱۹ اعلامیه جهانی حقوق بشر: «هرکس حق دارد آزادانه بیندیشد و عقیده اش را بیان کند.»
¹⁰. ن. ک. به:

Manfred Nowak, U.N. Covenant on Civil and Political Rights: CCPR Commentary, 2nd ed. (Kehl: N.P. Engel, 2005), 566.

¹¹. ن. ک. به: Franck, *Emerging Right*, 63.

است، این اراده باید به وسیله انتخاباتی ابراز گردد که به درستی و به طور ادواری صورت پذیرد. انتخابات باید عمومی و با رعایت مساوات باشد و با رأی مخفی یا طریقه ای نظیر آن انجام گیرد که آزادی رأی را تأمین نماید.¹² میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی نیز بر اهمیت چنین انتخاباتی تأکید کرد و آن را «شرط و عنصر اصلی یک حکومت دموکراتیک دانست که بر رأی و اراده ملت استوار شده باشد.»¹³ با این همه، کشمکش های ایدئولوژیک در دوران جنگ سرد، مانعی عمده در راه تحقق کامل این شرایط شد. از کشورهای آمریکای شمالی، اروپای غربی و شماری اندک از کشورهای آسیا، آفریقا و آمریکای جنوبی که بگذریم، دستیابی به یک حکومت دموکراتیک در سایر کشورهای جهان، نه یک الزام در حقوق بین الملل بلکه، آرمان و آرزوی بیش نبود. فروپاشی امپراتوری اتحاد جماهیر شوروی، در آخرین سال های دهه ۱۹۹۰، و استقرار شماری روزافزون از نظام های دموکراتیک در جهان، مبدئاً دورانی تازه شد. شمار کشورهای دموکراتیک از ۴۴ در سال ۱۹۷۲ به ۱۰۷ در سال ۱۹۹۳ افزایش یافت.¹⁴ برگزاری انتخابات در همه جوامع جهان تکلیفی همگانی شد. برای نخستین بار سازمان ملل متحد در نیکار آگوه -- در کشوری مستقل و نه سرزمینی تازه به استقلال رسیده -- نقشی کلیدی در برگزاری انتخابات نظارت بر درستی آن ایفا کرد.¹⁵ چندی بعد، در اکتبر ۱۹۹۰، سازمان ملل نظارت بر انتخابات هائیتی را نیز بر عهده گرفت. از آن پس، دول عضو نظارت بر انتخابات عمومی کشورهای گوناگون جهان را، به عنوان یکی از وظایف این سازمان، پذیرفته اند. در واقع، ارگان های گوناگون سازمان ملل متحد نیز کمابیش پیوسته بر اهمیت و ضرورت برخورداری دولت ها از «مشروعیت دموکراتیک» تأکید می کنند.¹⁶ مجمع عمومی سازمان ملل متحد نیز بر این اصل تأکید کرده که: «انتخابات اصیل واقعی و ادواری عنصری ضروری و اجتناب ناپذیر برای تأمین و

¹². اعلامیه جهانی حقوق بشر، ماده ۲۱، پاراگراف ۳.

¹³. ن. ک. به: Nowak, *ICCPR Commentary*, 565

¹⁴. ن. ک. به:

Doh Chull Shin, "On the Third Wave of Democratization: A Synthesis and Evaluation of Recent Theory and Research," *World Politics*, Vol. 47, No. 1 (1994), 136.

¹⁵. ن. ک. به:

Jon. M. Ebersole, "The United Nations' Response to Requests for Assistance in Electoral Matters," *Virginia Journal of International Law* 33, (2002), 95.

¹⁶. ن. ک. به:

Gregory H. Fox & Georg Nolte, "Intolerant Democracies," *Harvard International Law Journal*, Vol. 36 No. 1, (Winter 1995), 36.

تضمین حقوق و منافع شهروندان همه کشورهای جهان و تحقق خواست ها و اراده آن هاست، از جمله فرصت برابر برای انتخاب شدن و ابراز عقیده.¹⁷

ب) دلایل پیوند بین حقوق بین الملل و دموکراسی

در اثبات پیوند حقوق بین الملل با حکومت دموکراتیک چهار عامل اساسی در نظر گرفته می شود.¹⁸ این عوامل هم بر صلاحیت دیرینه حقوق بین الملل در رسیدگی به روابط بین دولت ها تکیه می کنند و هم بر ارتباط تازه یافته آن با حقوق بشر. روشن ترین عوامل «ارتباط آشکار نظام انتخابات رقابتی و چندحزبی با طیفی گسترده از حقوق و آزادی های تصریح شده در میثاق های گوناگون بین المللی است.»¹⁹ آن چه تا کنون تنها به عنوان آرمانی موجه بر زبان ها بوده امروز واقعیتی ملموس و عینی یافته است. عامل دوم، و شاید معتبرتر، را باید پیوند بین دموکراسی و جنگ دانست. واقعیت آن است که نظام های دموکراتیک به ندرت و شاید هرگز جنگ با یکدیگر را بر نمی تابند. اگر بپذیریم که جلوگیری از جنگ بین اعضای جامعه بین الملل مهم ترین علت پیدایش و گسترش حقوق بین الملل پس از پایان جنگ دوم جهانی بوده، منطقی است که بپذیریم هر رویداد و پدیده ای که احتمال وقوع چنین جنگی را افزایش دهد باید موضوعی مناسب برای حقوق بین الملل باشد.²⁰ عامل سوم جنگ های داخلی است که پیوندی نزدیک با عامل دوم دارد. در سال های پایانی دهه ۱۹۹۰، تلفات و ویرانی های ناشی از جنگ ها، و یا کشمکش های خونین داخلی، به میزانی قابل توجه افزایش یافت و بخشی عمده از فعالیت های سازمان ملل متحد و دیگر سازمان های بین المللی و منطقه ای را معطوف به خود کرد. «در نبود نهاد های کارای دموکراتیک، طرفین این گونه جنگ ها و کشمکش ها برای حل اختلافات خود بیشتر به اعمال خشونت و جنگ روی می آورند تا به سازش و بهره جویی از شیوه های مسالمت آمیز حل

¹⁷. ن. ک. به:

“Enhancing the effectiveness of the principle of periodic and genuine elections.” A/RES/46/137.

¹⁸. ن. ک. به:

Gregory H. Fox and Brad R. Roth, “Democracy and International Law”, *Review of International Studies* 27, (2001), 333.

¹⁹. همانجا.

²⁰. منابع و مأخذ در باره جوامع دموکراتیک و صلح بسیار است. به عنوان نمونه ن. به:

Russett, Bruce, and William Antholis. "Do Democracies Fight Each Other? Evidence From The Peloponnesian War." *Journal Of Peace Research* 29 (4, 1992), 415-434. Jack Levy, “The Democratic Peace Hypothesis: From Description To Explanation,” *Mershon International Studies Review* 38 (October 1994) 352-354.

اختلاف»²¹ و سرانجام، عامل چهارم، نقش کلیدی نهادها و شیوه های دموکراتیک برای تحقق بسیاری از هنجارهای در حال ظهور در جامعه جهانی است که ارتباط مستقیمی با خود دموکراسی ندارند.²² به عنوان نمونه، تلاش های بین المللی برای پاسداری از محیط زیست نیازمند وجود رژیم هایی است که مشارکت گسترده عمومی را در راه تحقق این ارزش ها و اجرای تعهداتی که دولت ها در این زمینه بردوش گرفته اند، پذیرا باشند. «مجموعه این عوامل سبب شده اند که حقوق بین الملل و سازمان های بین المللی نسبت به ساختار و ماهیت نظام های سیاسی کشورهای گوناگون جهان ساکت و بی اعتنا نباشند»²³

²¹ ن. ک. به گزارش دبیر کل سازمان ملل متحد در باره:

The Causes of Conflict and the Promotion of Durable Peace and Sustainable Development in Africa (1998), paragraph 77.

²² ن. ک. به: Fox and Roth, "Democracy and International Law", 334.

²³ ن. ک. به: همان، ص ۳۲۸.

۲- ضوابط امروزمین

گرچه هیچ قرارداد بین المللی و یا سندی پذیرفته شده در جهان وجود ندارد که اصول و ضوابط ناظر بر شیوه انتخابات را در بر داشته باشد، شماری از قراردادهای بین المللی شامل برخی از اصول و ضوابط کلیدی انتخابات آزاد و اصیل اند.²⁴ این ضوابط را می توان به دو گروه تقسیم کرد: گروه اول مرکب از حقوق سیاسی به معنای اخص کلمه است.²⁵ ماده ۲۵ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی این اصول را به صراحت بر شمرده است، از جمله اصل مربوط به حق «شرکت در اداره امور عمومی» و حق شرکت «در انتخابات ادواری که از روی صحت با آراء عمومی مساوی و مخفی انجام شود و تضمین کننده بیان آزادانه اراده انتخاب کنندگان باشد.»²⁶ حق رأی دادن حقی است همگانی، مخفی و برابر.²⁷ گروه دوم شامل حقوقی است که برای مشارکت واقعی و کارآ در عرصه سیاسی ضروری و اجتناب ناپذیر شمرده می شود و لازمه تبادل اندیشه ها و باورهای سیاسی در جامعه است: آزادی بیان و آزادی تجمع. بدون این دو آزادی سیاسی به هم پیوسته، تشکیل احزاب سیاسی و شرکت آزادانه در آن ها میسر نمی شود. وجود احزاب سیاسی و آزادی فعالیت آن ها نیز شرط اجتناب ناپذیر موجودیت و کارایی یک دموکراسی است.²⁸ دولت های عضو میثاق مکلف اند که نه تنها از هرگونه دخالت یا کارشکنی در فعالیت های احزاب سیاسی خودداری کنند بلکه موظف اند که امکانات قانونی و اداری لازم را برای افرادی که قصد تشکیل احزاب سیاسی تازه ای دارند فراهم آورند.²⁹

با یک نگاه به مجموعه اصول و ضوابط یاد شده می توان یه این نتیجه رسید که انتخابات باید «آزاد و منصفانه» باشند.³⁰ انتخابات هنگامی آزاد است که: موانع شرکت شهروندان در عرصه های سیاسی در حداقل باشند؛ که نامزدان انتخاب شدن و اعضا و هواداران همه احزاب سیاسی بتوانند در آزادی کامل به تبلیغات انتخاباتی برای جلب نظر رأی دهندگان بپردازند؛ که رأی

²⁴ به جز اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی، به دو منبع زیر نیز می توان رجوع کرد: پیشنویس «میثاق ضوابط انتخابات، و حقوق و آزادی های مرتبط با آن» و «گزارش اجلاس کمیسیون امنیت و همکاری اروپا در کپنهاک در باره ابعاد حقوق بشر در انتخابات» (اجلاس کپنهاک)

²⁵ ن. ک. به: Nowak, ICCPR Commentary, 565.

²⁶ ن. ک. به: ماده ۲۵ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی.

²⁷ همانجا.

²⁸ ن. ک. به: Nowak, ICCPR Commentary, 496.

²⁹ همان، ص ۵۰۰.

³⁰ ن. ک. به: «پیشنویس ضوابط انتخابات» و «اجلاس کپنهاک».

دهندگان هنگام رأی دادن با هیچ گونه اجباری روبرو نشوند. با این همه، شرکت همگان در انتخابات و رأی دادن بدون اجبار و خشونت کافی نیست. آزادی به معنایی که در این نوشته آمده در وهله نخست تابعی از «قواعد بازی است»³¹ و اما، انتخاباتی منصفانه است که: ناظران بی طرف بر برگزاری آن نظارت کنند؛ که مأموران برگزاری آن چنان توانا و با کفایت باشند که خدشه ای به درستی انتخابات چه هنگام رأی دادن و چه هنگام خواندن و شمارش آراء وارد نیاید.³² انتخابات هنگامی منصفانه است که ضابطان دادگستری و مأموران نیروهای انتظامی همواره نسبت به همه رأی دهندگان رفتاری یکسان و بی طرفانه داشته باشند، گروه ها و سازمان های علاقه مند بتوانند بر نحوه رأی دادن و خواندن و شمارش آراء نظارت کنند و «قواعد بازی» با بی طرفی و نسبت به همه یکسان اجرا شود. انتخابات هنگامی منصفانه است که رأی دهندگان در آسودگی خاطر و بدون هیچ مانعی بتوانند به حوزه های انتخاباتی دسترسی یابند؛ که مردم به هنگام از خبر برگزاری انتخابات آگاه شوند؛ که حوزه های انتخاباتی آنگونه و در نقاطی برپا شوند که دسترسی رأی دهندگان، و به ویژه ساکنان روستاها و مناطق بیرون از شهر، را تسهیل کند. در انتخابات «واقعی»³³ مردم می توانند خواست های سیاسی خود را با انتخاب نامزد یا نامزدهای خاصی عینیت بخشند. در مغایرت با انتخابات واقعی می توان به «انتخابات نمایشی» اشاره کرد. برخلاف انتخاباتی که به سبب اعمال خشونت یا شمارش آراء تقلبی مخدوش شده، «انتخابات نمایشی» فریب کارانه برگزار می شود و در نتیجه زیان آور تر است. به گفته لری دایاموند، استاد علوم سیاسی دانشگاه استانفورد:

برگزار کردن انتخابات نمایشی کاری چندان دشواری نیست. عملاً در هر مرحله... گرداندگان نمایش می توانند به نفع گروهی از نامزدان و به زیان دیگران دخالت کنند. به جای دخالت های فاحش و چشمگیر، در یکی دو مرحله انتخابات، «انتخابات نمایشی» فریبنده را می توان با دخالت های به ظاهر کم اهمیت در مراحل و فرصت های بی شمار برگزار کرد. در این گونه انتخابات نیازی به رد نامزدی همه مخالفان و منتقدان نیست. تنها کافی است که

³¹. ن. ک. به:

Larry Diamond, "Thinking About Hybrid Regimes," *Journal of Democracy* 13, no. 2 (April 2002), 28.

³². ن. ک. به: Diamond, "Thinking About Hybrid Regimes," *Ibid.*, 29.

³³. ن. ک. به: «پیش نویس میثاق ضوابط انتخابات»، ماده ۴، پاراگراف ۲.

گردانندگان نمایش محدودیت هایی اندک و غیر محسوس بر سر راه رأی دهندگان قرار دهند، در مرحله گزینش نامزدان انتخابات دخالت های موزیانه کنند، کار رأی گیری و رسیدگی به شکایت های رسیده را خود به عهده گیرند. مجموع این دخالت ها و ترفندها برای ادامه حکومت حاکمان ناخواسته کافی است، مگر آن که ملت را به مصیبتی بزرگ گرفتار کرده باشند.³⁴

انتخابات نمایشی می تواند از یک سو پیامد مخدوش شدن آزادی رأی دهندگان و از سوی دیگر حاصل منصفانه نبودن انتخابات باشد. مخدوش شدن آزادی ناشی از کارشکنی دولت در پیدایش احزاب است و یا دخالتش در کار گزینش نامزدهای انتخابات و یا هردو. و اگر کارگزاران انتخابات بی طرف نباشند، انتخابات منصفانه نخواهد بود. افزون بر این، غیرمنصفانه بودن انتخابات ممکن است ناشی از محروم شدن نامزدهای مخالف دولت از دسترسی به رسانه های همگانی باشد. انتخابات نمایشی در همه کشورها یکسان نیستند. دخالت ها و کارشکنی های نه چندان آشکار و جدی دولت در فعالیت های احزاب سیاسی یک کشور می تواند در کشوری دیگر گسترده و خشونت بار باشد و یا حتی از نامزد شدن مخالفان دولت ممانعت کند. از همین رو، داوری درست در باره نوع برگزاری انتخابات در هر کشور تنها بر پایه بررسی دقیق قوانین و سنت های انتخاباتی آن کشور ممکن خواهد بود.

پ) انتخابات در جمهوری اسلامی ایران

انتخابات در جمهوری اسلامی ایران نه آزادانه برگزار می شود و نه منصفانه. از آن جا که رژیم هرگز اجازه نداده است که ناظران بی طرف بر جریان انتخابات نظارت کنند، ممکن نیست بتوان مطمئن بود که انتخابات در ایران بدون خدشه و تقلب برگزار می شود. اما، بر اساس شواهد و قرائن بسیار آماری که مراجع دولتی در باره تعداد رأی دهندگان و شمارش آراء ارائه می کنند نادرست است.³⁵ با دخالت روزافزون سپاه پاسداران انقلاب در عرصه سیاسی کشور امکان

³⁴. ن. ک. به:

Giovanni Sartori, "Representational Systems" in *International Encyclopedia of the Social Sciences*, (Free Press, 1968).

³⁵. براساس آمار رسمی دولتی، احمدی نژاد در دور اول این انتخابات ۵ میلیون و هفت صد هزار رأی و در دور دوم ۱۱ میلیون و نیم رأی گرفته است. اگر شمار رأی دهندگان در هر دو دوره یکسان بوده باشد، و اگر احمدی نژاد در دور دوم همه آراء ریخته شده برای دو رقیبش (علی لاریجانی و محمد باقر قالیباف) را هم به دست آورده باشد تنها ۵ میلیون و هشت صد هزار رأی باید به آراء دور اول

دخالت های غیرقانونی در انتخابات نیز افزایش یافته است.³⁶ نگران کننده تر از همه، نظام انتخاباتی جمهوری اسلامی ایران شامل محدودیت های گسترده و قانونی بر آزادی انتخابات و حقوق رأی دهندگان و نامزدان انتخاباتی است. برپایه قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، صلاحیت نامزدان انتخاباتی نه تنها طبق مواد گوناگون قانون اساسی بلکه برپایه ضوابط و مقررات وضع شده در قانون انتخابات و قانون ناظر بر احزاب سیاسی احراز می شود.

این قوانین و مقررات حاوی محدودیت ها و موانع متعددی است که ایجاد یک نظام باز سیاسی در کشور را ناممکن کرده اند. مهم ترین این محدودیت ها و موانع ناشی از حقوق و اختیاراتی است که در قانون اساسی به شورای نگهبان تفویض شده، شورایی که هر ۱۲ عضو مستقیم یا غیرمستقیم انتصابی اند. از جمله وظایف این شورا تصویب یا رد درخواست نامزدان انتخابات مجلس و یا ریاست جمهوری و نیز نظارت بر برگزاری انتخابات است. به این ترتیب، می توان گفت که حق شرکت در فرایند تصمیم گیری سیاسی نه بر اساس قانون و رأی عمومی بلکه برپایه داد و ستد شماری معدود از صاحبان قدرت سیاسی کشور است.³⁷

الف. ساختار حکومت در جمهوری اسلامی

جمهوری اسلامی ایران تنها حکومت مذهبی در دنیاست. در این حکومت قدرت سیاسی هم در عمل و هم از نظر قانونی در مالکیت انحصاری گروهی کوچک از فقهای شیعه و دستیاران و مباشران آنان قرار گرفته است. براساس نظریه ولایت مطلقه فقیه، رهبری این حکومت تا ظهور حضرت مهدی، امام غایب شیعیان جهان، برعهده ولی فقیه است که از «بینش صحیح سیاسی و اجتماعی، تدبیر، شجاعت، مدیریت و قدرت کافی برای رهبری» برخوردار باشد.³⁸ به این ترتیب، گرچه در ایران امروز هم نمایندگان مجلس و هم رئیس جمهوری در انتخابات ادواری برگزیده

وی اضافه می شد، در حالی که طبق آمار رسمی در دور دوم آرای وی نزدیک به ۳ برابر آرایش در دور اول شده است. در این باره ن. ک. به:

Bill Sami'i, "Iran: Do The Presidential Vote Numbers Really Add Up?" *Radio Liberty*, 30 June 2005 .

³⁶. برای آگاهی از گزارشی درباره دخالت سپاهیان انقلاب در حوزه های رأی گیری در انتخابات ۱۳۴۸ ن. ک. به: <http://www.cnn.com/2005/WORLD/meast/06/25/iran.claim/index.html>

³⁷. ن. ک. به: *قانون انتخابات ایران*.

³⁸. ن. ک. به: *قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران*، اصل ۱۰۹، بند ۱.

می شوند، قدرت تصمیم گیری نهایی در زمینه های عمده سیاسی و حکومتی با ولی فقیه است که مردم در انتخابش نقشی با معنا ندارند.

آیت الله خامنه ای ، که پس از مرگ خمینی به مقام رهبری و ولایت رسید، طبق قانون اساسی جمهوری اسلامی دارای اختیارات گسترده ای است از جمله: تعیین سیاست های کلی نظام جمهوری اسلامی ایران پس از مشورت با مجمع تشخیص مصلحت نظام؛ نظارت بر حسن اجرای سیاستهای کلی نظام؛ فرماندهی کل نیروهای مسلح؛ اعلام جنگ و صلح؛ انتصاب فقهای شورای نگهبان، رئیس قوه قضاییه، رئیس سازمان صدا و سیما، جمهوری اسلامی ایران، رئیس ستاد مشترک، فرمانده کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی؛ فرماندهان عالی نیروهای نظامی و انتظامی؛ و حل اختلاف و تنظیم روابط قوای سه گانه³⁹. شخص رهبر از سوی مجلس خبرگان انتخاب می شود و در ظاهر پاسخگوی آن است.

مطابق قانون اساسی اعضای مجلس خبرگان از طریق انتخابات عمومی برگزیده می شوند اما کیفیت و شرایط انتخاب اعضا در قانون اساسی مشخص نشده است. بنابر تصمیم مجلس خبرگان، تنها کسانی می توانند نامزد شرکت در این انتخابات شوند که صلاحیت مذهبی و سیاسی آنان از سوی فقهای شورای نگهبان تأیید شده باشد. به این ترتیب نظام انتخابات عمومی در جمهوری اسلامی را باید نظامی بسته و دایره وار دانست که در آن نقش صندوق رأی، نمایشی و صوری است.

الف) نقش شورای نگهبان در انتخابات

برخلاف بیشتر کشورهای جهان، قوانین و مقررات گوناگون انتخابات در قانونی واحد ادغام نشده اند. قانون انتخابات تنها به شرح قواعد کلی در باره نحوه اجرای انتخابات می پردازد. وزارت کشور موظف است پس از پایان رأی گیری در حوزه های انتخاباتی، گزارش انجام انتخابات را به مجلس شورای اسلامی ارائه دهد.⁴⁰ نه در قانون اساسی و نه در قانون انتخابات نشانی از هیئت یا نهادی مستقل که مسئول انجام انتخابات و نظارت بر آن باشد به چشم نمی خورد.

³⁹ ن. ک. به: همان، اصل ۱۱۰
⁴⁰ ن. ک. به: قوانین انتخابات ایران.

وظیفه «نظارت» بر انتخابات بر عهده شورای نگهبان گذاشته شده است.⁴¹ از جهات مختلف، شورای نگهبان را می توان معرّف و نمونه کاستی های نظام سیاسی و انتخاباتی ایران دانست. این شورا، که طبق قانون اساسی موظف به تأمین سازگاری همه قوانین و مقررات کشور با احکام اسلامی است، از ۶ حقوقدان و ۶ فقیه تشکیل شده. اعضای حقوقدان شورا را مجلس، از فهرست حقوقدان هایی که رئیس قوه قضائیه تهیه می کند برمیگزیند.⁴² برگزیدن شش تن فقیه برای عضویت در این شورا منحصراً در اختیار رهبر است. مدت عضویت در این شورا شش سال است و تنها رهبر حق عزل آنها را دارد.

در سال های اخیر، این نهاد شبه قضایی به یکی از مقتدرترین نهادهای جمهوری اسلامی تبدیل شده و نفوذی گسترده در عرصه سیاسی کشور یافته است. در سال ۱۳۷۱ (۱۹۹۲م) شورای نگهبان به تفسیر موسّعی از ماده ۹۹ قانون اساسی پرداخت و حق «نظارت» بر انتخابات را به حق «نظارت استصوابی» به معنای احراز صلاحیت نامزدی داوطلبان شرکت در انتخابات گسترش داد.⁴³ گرچه حتّی برخی از هواداران رژیم نیز به چنین تفسیری خرده گرفته اند، امروز شورای نگهبان عملاً اختیار ردّ یا قبول نامزدان بیشتر مشاغل انتخابی را به عهده گرفته است.

ب) محدودیت فعالیت های سیاسی

در جمهوری اسلامی مشارکت فعال و آزادانه در عرصه سیاسی سخت محدود است. اکثر شهروندان از فرصت نامزدشدن برای نمایندگی مجلس یا ریاست جمهوری محروم اند. از بسیاری جهات، حکومت امروزی ایران یک نظام گروه سالار بیش نیست که در آن شبکه ای خودمختار و بسته مرکب از مبلغان و مجتهدان اهل تشیع برآن فرمان می رانند. «رشته های پیوند حرفه ای میان اعضای این شبکه یا در حوزه های علمیه (مذهبی) بافته شده و یا در روابط خویشاوندی بین آنان.»⁴⁴ طبق قانون انتخابات جمهوری اسلامی، نخستین شرط برای نامزدی مشاغل سیاسی

41. ن. ک. به: قانون اساسی جمهوری اسلامی، اصل ۹۹.

42. رئیس قوه قضائیه نقش منحصر به فردی در نظام حقوقی و سیاسی ایران ایفا می کند. اختیارات وزیر دادگستری، که عضو هیئت دولت شمرده می شود، محدود به تقدیم لوایح دولت به مجلس و نظارت بر امور اداری وزارت دادگستری است. رئیس قوه قضائیه، اما، مسئول و سرپرست دادگاه های جمهوری اسلامی از جمله دیوان عالی کشور، و برگزیدن قضات دادگاه های عادی کشور و دانستان های دادسراهای دادگستری است. وی به مقام یا نهادی جز رهبر رژیم پاسخگو نیست. اختیارات وی نشان بارزی از تداخل دو قوه مقننه و قضائیه در امور یکدیگر و نماد بی اعتنایی جمهوری اسلامی به اصل تفکیک قوای سه گانه است.

43. ن. ک. به:

Reza Afshari, *Human Rights in Iran: The Abuse of Cultural Relativism*, (Philadelphia: University of Pennsylvania Press, 2000), 236-38.

44. ن. ک. به:

«اعتقاد کامل به اسلام و وفاداری به نظام جمهوری اسلامی است.»⁴⁵ این شرط به دلایل گوناگون شرطی باطل است. نخست به این دلیل که وجود شرط تنها با یک آزمون مذهبی قابل احراز خواهد بود و به هر حال قرارداد چینی شرطی برای نامزدی مشاغل انتخابی آشکارا ناقض اصل منع تبعیض های مذهبی در حقوق بین الملل است.⁴⁶ افزون بر این، این شرط نافی ماده ۲۵ میثاق بین المللی مدنی و سیاسی است که به شهروند حق شرکت در نهادهای تصمیم گیری سیاسی می دهد «صرف نظر از گرایش ها و تعلقات تصریح شده در ماده ۲ میثاق.» دوم، معنای این شرط داشتن تعهدی سیاسی به جمهوری اسلامی است و با تعهدی که نامزدان مشاغل انتخابی در جوامع دموکراتیک متقبل می شوند تفاوتی ماهوی دارد.⁴⁷ در این جوامع وفاداری به قانون اساسی و به دفاع از منافع و حقوق ملت مورد نظر است و نه وفاداری به نظام سیاسی یا مذهبی حاکم بر کشور. افزون بر این تعهد، نامزدان نمایندگی مجلس و یا ریاست جمهوری باید تعهد عملی خود را به اصل ولایت مطلقه فقیه نیز به اثبات رسانند.⁴⁸ چنین تعهدی نه تنها نافی اصل آزادی وجدان است بلکه متعهد شونده را مکلف به دفاع از هدف ها و برنامه های سیاسی گروهی خاص می کند. به عنوان نمونه، صلاحیت برخی از نامزدان مشاغل انتخابی به این دلیل رد شده است که در نماز جمعه به دفعات کافی شرکت نکرده اند.⁴⁹ بارزترین کاستی و مهم ترین مسئله نظام سیاسی جمهوری اسلامی این است که نقش و اختیارات گسترده ولی فقیه شالوده اصلی قانون اساسی است.⁵⁰ ماده ۱۷۷ کلیدی ترین اصول قانون اساسی را «تغییرناپذیر» دانسته است، از جمله اصول مربوط به «اسلامی بودن نظام و ابتدای کلیه قوانین و مقررات بر اساس موازین اسلامی و پایه های ایمانی و اهداف جمهوری اسلامی ایران و جمهوری بودن حکومت و ولایت امر و امامت امت . . .» به این ترتیب با ممنوع کردن هر نوع تغییر مؤثر سیاسی یا حقوقی در ارکان نظام، قانون اساسی جمهوری

Stephen C. Fairbanks, "Theocracy Versus Democracy: Iran Considers Political Parties," *Middle East Journal* 52, no. 1 (Winter 1998), 28.

45. ن. ک. به: قانون انتخابات ایران.

46. ن. ک. به: میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی، ماده ۲ ناظر بر آزادی مذهب و منع تبعیض مذهبی از سوی دولت است.

47. متن سوگند وفاداری رئیس جمهوری در قانون اساسی ایالات متحد آمریکا در ماده ۲، بند ۱ چنین است: «من سوگند یاد می کنم که وظایفم را در مقام ریاست جمهوری با دقت و صداقت ایفا کنم و با هر چه در توان دارم حامی، محافظ و مدافع قانون اساسی ایالات متحد آمریکا باشم.» ماده ۶، بند ۳ همین قانون نمایندگان کنگره، نمایندگان مجالس ایالتی و همه مقام های بالای دولت فدرال و ایالات را مکلف به ادای سوگند وفاداری می کند اما گنجاندن هر نوع اشاره ای به مذهب را در این سوگند منع می کند. فرمان ادای سوگند ۱۸۶۸ انگلیس نیز اعضای پارلمان را موظف به ادای سوگند وفاداری به مقام سلطنت می داند.

48. ن. ک. به: قانون انتخابات ایران.

49. ن. ک. به:

Ladan Boroumand and Roya Boroumand, "Reform at an Impasse," *Journal of Democracy* 11, no. 4 (October 2000), 118.

50. ن. ک. به: قانون اساسی جمهوری ایران، اصل ۱۷۷.

اسلامی حکومتی را طراحی کرده که نتواند خود را با تحولات جامعه و خواست ها و نیازهای متغییر مردم سازگار کند. در چنین نظام بسته و متمرکزی نه تنها قدرت سیاسی بلکه منابع و سرمایه های کشور در انحصار گروهی کوچک از سرکردگان رژیم [خودی ها] قرار می گیرد که ایمن از حسابرسی و مصون از پاسخگویی به مردم اند. چنین وضعی یکسره در تضاد با این اصل کلیدی دموکراسی است که شهروندان تنها منشأ مشروعیت حکومت اند. گرچه به درستی می توان گفت که در سال ۱۳۵۷ اکثریت مردم ایران هوادار حکومت برخاسته از انقلاب بودند، واقعیت آن است که امروز جمهوری اسلامی از مشروعیت قابل اعتنایی برخوردار نیست. بیش از هر چیز به این دلیل که در دوران حاکمیت جمهوری اسلامی هیچ فرصت معقولی برای بیان آزادانه خواست هایشان به مردم ایران داده نشده است.

در این سال ها جوامع غیرمسلمان ایران نیز آماج تبعیض های گوناگون و مستمر قرار داشته اند. طبق اصل ۶۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی این جوامع تنها به ۵ کرسی نمایندگی در مجلس دسترسی دارند. «زرتشتیان و کلیمیان هر کدام یک نماینده، مسیحیان آشوری و کلدانی مجموعاً یک نماینده و مسیحیان ارمنی جنوب و شمال کشور هر کدام یک نماینده انتخاب می کنند.»⁵¹ کسانی که از سوی این جوامع به نمایندگی مجلس انتخاب می شوند از اعلام وفاداری به دین اسلام معاف اند اما باید به احکام مذهب خود مؤمن باشند.⁵² حکومت اسلامی به حضور نمایندگان جوامع غیراسلامی در مجلس شورای ملی، به عنوان نشانه ای از رفتار منصفانه و مدارا جویانه خود نسبت به این جوامع، تقاضا می کند. اما، اختصاص دادن تعداد معین و محدودی از کرسی های مجلس به این جوامع تضادی آشکار با حقوق بشر دارد. نخست به این دلیل که منزوی کردن اقلیت های مذهبی در عرصه سیاسی به این معناست که آن ها تنها از برخی از حقوق و آزادی های مصرح در قانون اساسی بهره مندند و نه از همه حقوقی که به اکثریت مردم ایران تعلق می گیرد. به این ترتیب، جوامع غیرمسلمان، محکوم به زندگی در حاشیه اجتماع، به عرصه سیاسی راه نمی یابند و از کمترین امکان قانونی برای رسیدن به مقام های رهبری و تصمیم گیری در زمینه های کلیدی سیاسی برخوردار نیستند. دلیل دوم این که با چنین محدودیت هایی منافع جوامع غیرمسلمان، حداقل در مجلس قانونگذاری که اکثر قریب به اتفاق نمایندگان

⁵¹ ن. ک. به: همان، ماده ۶۴، بند ۲.

⁵² ن. ک. به: تبصره ۱، ماده ۲۸ قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی ایران.

مسلمان اند، تأمین شدنی نیست. در جوامع دموکرات، احزاب سیاسی ناگزیر از رعایت منافع گروه های اقلیت های قومی و مذهبی اند زیرا در غیر این صورت اقلیت های ناراضی همیشه می توانند در انتخابات به سود یا زیان یکی از احزاب رقیب رأی دهند.

یکی دیگر از شرط های مسئله برانگیز و مبهم نامزدی «نداشتن شهرت سوء در حوزه انتخابیه» است.⁵³ سوء شهرت از مفاهیم کشدار و در عین حال کمیّت ناپذیر مدنی و سیاسی است. به عنوان نمونه، آنچه از نظر کسانی پایداری و عزم استوار یک نامزد انتخابات شناخته می شود ممکن است برای دیگران نشان روحیه پرخاشگر و حتی دشمنی باشد و به همین ترتیب ممکن است آنچه را مشتی بردباری و مداراگری یک نامزد انتخابات نسبت به دگراندیشان می دانند، دیگران معرّف سستی او در باورهای مذهبی بدانند. به این ترتیب، شرط هایی چنین مبهم می تواند محمل تجاوز به حقوق نامزدان مشاغل سیاسی قرار گیرد و در نهایت امر به تصمیم گیران حکومتی اجازه دهد تا بر پایه شایعه ها و اتهامات بی اساس و یا غرض ورزی و کینه توزی های شخصی داوطلبان نامزدی را از شرکت در انتخابات محروم کنند. افزون بر این، قانون انتخابات ایران داشتن حداقل مدرک تحصیلات دو ساله در یک مرکز آموزش عالی (یا معادل آن) را برای احراز صلاحیت انتخاب شدن به مقام های سیاسی ضروری می شمرد. شرط صلاحیت بر اساس میزان تحصیلات در حقوق بین الملل نیامده است. با توجه به سطح پیشرفت اقتصادی و اجتماعی ایران، شرط داشتن مدرک آموزشی خاص بخش بزرگی از جمعیت کشور را از نامزدی برای مقام های انتخابی محروم می کند.⁵⁴

قانون انتخابات جمهوری اسلامی افرادی را نیز که واجد مشخصات ویژه ای هستند از انتخاب شدن محروم می کند. به عنوان نمونه «ملاکین بزرگ که زمین های موات را به نام خود ثبت داده اند» یا «مشهورین به فساد و متجاهرین به فسق»⁵⁵ این محدودیت های مبهم و کمیّت ناپذیر در واقع تنها دستاویزی برای توجیه تصمیم های خودسرانه مجریان انتخابات اند. افزون بر این همه، کسانی که در دادگاه صالح به اتهام ارتداد محاکمه و محکوم شده اند نیز محروم از

⁵³ ن. ک. به: همان، بند ۵..

⁵⁴ در دیگر کشور های در حال توسعه، شروطی برای تضمین صلاحیت نامزد های انتخابات ذکر کرده اند ولی این شرایط شامل داشتن مدرک تحصیلی دانشگاهی نیست. در قانون انتخابات کشور کامرون (آفریقا) توانایی خواندن انگلیسی یا فرانسه در شرایط نامزدهای انتخابات گنجانده شده است (بخش ۱۷ قانون انتخابات). در اندونزی همه نامزدها می بایست دستکم دارای دیپلم دبیرستان باشند (قانون احزاب، ماده ۴۳).

⁵⁵ ن. ک. به: قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی، ماده ۳۰، بند ۲ و ۶.

نامزدی در انتخابات خواهند بود.⁵⁶ صرف نظر از تضاد چنین محرومیتی با آزادی مذهب، خمینی و جانشینانش از اتهام ارتداد برای مجازات و یا منزوی کردن مخالفان سیاسی خود بهره برده اند.⁵⁷ گروه دیگری که از صلاحیت نامزدی در انتخابات محروم اند کسانی هستند که «کسانی که در جهت تحکیم مبانی رژیم سابق نقش مؤثر داشته اند» (قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی، ماده ۳۰، بند ۱)، مانند اعضای شورای شهرها، اعضای فرقه فراماسون و نمایندگان مجلس شورای ملی و سنای دوران پیش از انقلاب. اثبات این اتهام ساده تر از اثبات اتهامات یادشده است، اما، جرم شناختن ارتباط فرد با رژیم خاصی در نفس خود ماده ۲۵ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی را، که محدودیت های غیر عقلایی بر حقوق شهروندان را ممنوع کرده است، نقض می کند. صرف ارتباط داشتن با رژیم پیشین، یا برعهده داشتن مقام های اداری و سیاسی در آن، نمی تواند مانعی برای نامزدشدن متهم شمرده شود. به عنوان نمونه، آیا در داوری درباره اهمیت ارتباط با رژیم، می توان یک منشی وزارت امور خارجه را که مسئول طبقه بندی اطلاعات و گزارش های حساس بوده است هم طراز با معاون یک وزارت خانه دانست؟ اختلاف سیاسی و ایدئولوژیک حکومت جمهوری اسلامی با حکومت شاه هرچه باشد نمی تواند دستاویز مشروعی برای محروم کردن عضوی از اعضای حکومت پیشین از حق نامزدی در انتخابات باشد، مگر آن که مرتکب جرم خاصی شده باشد که از لحاظ قانونی مانع بهره وری او از این حق باشد. در جمهوری اسلامی «صرف ارتباط با رژیم شاه» اغلب بهانه ای برای آزار و اذیت و حتی مجازات مخالفانش بوده است بی آن که متهم به ارتکاب جرمی شده باشند. امیر عباس هویدا، نخست وزیر شاه در دورانی طولانی، از قربانیان این گونه اتهامات مبهم و تعریف نشده در قانون بود که سرانجام پس از یک محاکمه اختصاری و نمایشی محکوم و اعدام شد.⁵⁸ همانگونه که دادستان دادگاه هویدا در سخنانی خطاب به او اذعان کرد که: «دادگاه نه تو را بلکه یک نظام سیاسی را محاکمه می کند که تو یکی از مجریان و نمایندگانش بوده ای.»⁵⁹ طبق یکی دیگر از مواد قانون انتخابات مجلس شورای

⁵⁶ ن. ک. به: همان، بند ۵.

⁵⁷ پس از آنکه جبهه ملی ایران در اطلاعیه ای لایحه قانون قصاص را محکوم کرده و مردم را دعوت نمود که روز ۲۵ خرداد ۱۳۶۰ در میدان فردوسی بر علیه این قانون تظاهرات کنند، آیت الله خمینی در بیانیه ای جبهه ملی ایرانی را متهم به ارتداد نمود: «جبهه ملی از امروز محکوم به ارتداد است. بله «جبهه ملی» هم ممکن است بگویند ما این اعلامیه را نداده ایم. اگر آمدند امروز بعد از ظهر آمدند در رادیو و اعلام کردند به این که این اطلاعیه ای که حکم ضروری مسلمین، جمیع مسلمین را «غیر انسانی» خوانده، این اعلامیه از ما نبوده، اگر این ها اعلام کنند که از ما نبوده، از آن ها هم ما می پذیریم. ن. ک. به: صحیفه امام، جلد ۱۴، (بهمن ۱۳۵۹-تیر ۱۳۶۰)، ص. ۶۲. مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ دوم، ۱۳۷۹.

⁵⁸ ن. ک. به وب سایت بنیاد عبدالرحمن برومند: «یک سرگذشت: آقای امیر عباس هویدا»، در [امید، یادبودی در دفاع از حقوق بشر](http://www.iranrights.org/farsi/memorial-case--3780.php) (http://www.iranrights.org/farsi/memorial-case--3780.php)

⁵⁹ ن. ک. به: کیهان، ۱۹ فروردین ۱۳۵۸.

اسلامی (ماده سی، بند سه) موجب محرومیت بخشی بزرگ دیگری از نامزدان بالقوه از حق شرکت در انتخابات شده است؛ این محرومیت شامل حال «وابستگان تشکیلاتی و هواداران احزاب، سازمان ها و گروه هایی که غیرقانونی بودن آن ها از طرف مقامات صالحه اعلام شده» است.⁶⁰

با توجه به غیرقانونی شناخته شدن همه احزاب سیاسی در سال ۱۳۶۰ (۱۹۸۱م) شمار بزرگی از کوشندگان سیاسی که پیش از انقلاب و دوران بلافاصله پس از آن در عرصه سیاسی فعالیت می کردند در سال های اخیر عملاً از حق نامزد شدن در انتخابات جمهوری اسلامی محروم شده اند. افزون بر این، طبق قانون اساسی رئیس جمهوری باید از میان «رجال سیاسی و مذهبی» انتخاب شود. گرچه بحث در باره معنای واژه «رجال» دیری است که میان حقوقدانان در گرفته است، به تفسیر شورای نگهبان به کار بردن واژه «رجال» در قانون اساسی به معنای رد صلاحیت زنان برای احراز مقام ریاست جمهوری است. سرانجام، قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی تأکید می کند که نامزدان از «قوای بینایی، شنوایی و سخن گفتن بهره مند باشند»⁶¹ در دورانی که پیشرفت علوم و فناوری امکانات و ابزار گوناگون برای مداوای معلولان جسمی فراهم کرده است به نظر نمی رسد گنجاندن چنین شرطی قابل توجیه باشد.

پ) محدودیت های ناظر بر تشکیل و فعالیت احزاب سیاسی

قانون احزاب سیاسی که در سال ۱۳۶۰ به تصویب رسید مشکلات و نارسایی های یاد شده در ماهیت انتخابات در جمهوری اسلامی را دو چندان کرده است. احزاب سیاسی در جوامع دموکراتیک نقشی بنیادین و گزیرناپذیر برعهده دارند. و رای فراهم آوردن فضای مناسب برای تبادل آرا و تشخیص و تعریف منافع مشترک بین افراد و یا گروه هایی که، در صورت عدم وجود احزاب سیاسی آزاد، منزوی و از روند سیاسی کنار گذارده خواهند شد، احزاب سیاسی در توانمند کردن افراد و گروه های جامعه برای شرکت کارآ در عرصه سیاسی و تصمیم گیری نقش مهمی ایفا می کنند. افزون بر این احزاب سیاسی نقشی اساسی در نظارت بر چگونگی برگزاری انتخابات، تسهیل ارتباط بین نخبگان و سرآمدان سیاسی از سویی، و توده های مردم، از سوی

⁶⁰ قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی، ماده ۳۰، بند ۳.

⁶¹ همان، ماده ۲۸، بند ۶.

دیگر دارند و در مجموع مساعد به تقویت ارکان یک نظام دموکراتیک اند.⁶² "در نهایت امر، احزاب سیاسی اند که وظیفه مذاکره، تلفیق آراء و فراهم آوردن رأی برای تصویب لوایح اصلاحات در مجلس را بر عهده دارند." ⁶³ افزون بر این، احزاب سیاسی در جوامعی که مرکب از اقوام گوناگون اند می توانند تنش و رقابت میان اقوام را آرام کنند.⁶⁴

قانون احزاب سیاسی و مقررات اجرائی آن فعالیت احزاب سیاسی، انجمن های اصناف و سندیکاها، کارگری و سازمان های مذهبی و دیگر گروه هایی را تنظیم می کند که « توسط يك گروه اشخاص حقیقی معتقد به آرمانها و مشی سیاسی معین تاسیس شده و اهداف، برنامه ها و رفتار آن به صورتی به اصول اداره کشور و خط مشی کلی نظام جمهوری اسلامی ایران مربوط می باشد.»⁶⁵ طبق موازین حقوق بین الملل، دولت ها آزاداند که به تدوین مقررات و نحوه ثبت نهاد های جامعه مدنی و احزاب سیاسی پردازند. در عین حال، هر نوع محدودیتی در راه ثبت این گونه نهادها باید مساعد به تحکیم و تقویت اصل تکثر گرایی و مدارا و حاکمیت عالیة مردم و در یک جامعه دموکراتیک لازم باشد.⁶⁶ بنابراین، محدودیت هایی مجاز اند که برای تأمین امنیت ملی و نظم عمومی و جلوگیری از برانگیختن گرایش های کینه توزانه و تبلیغات جنگ طلبانه و تجاوز به حقوق دیگران، ایجاد شده باشند. به عنوان نمونه، انگلستان عضویت در هر انجمن و یا سازمانی را ممنوع کرده است که "هدفش بسیج و آموزش افراد برای استفاده از خشونت در راه ترویج و تبلیغ مقاصد سیاسی باشد." ⁶⁷ قوانین فرانسه رئیس جمهوری را مجاز می دانند به انحلال گروه هایی دست زند که " (۱) تظاهرات مسلحانه را ترغیب می کنند؛ (۲) ماهیتی شبه نظامی دارند؛ و

⁶². ن. ک. به :

Doug Perkins, "Political Parties and Democracy: A Comparative Analysis," manuscript presented at 1998 Annual Meeting of the American Political Science Association.

⁶³.

Larry Diamond, "Is Pakistan the (Reverse) Wave of the Future?" *Journal of Democracy* 11, no. 3 (July 2000), 104.

⁶⁴.

Peter M. Leslie, "The Role of Political Parties in Promoting the Interests of Ethnic Minorities," *Canadian Journal of Political Science*, Vol. 2, No. 4 (Dec. 1969).

⁶⁵. ن. ک. به قانون فعالیت احزاب، جمعیتها، سیاسی و صنفی و انجمن های اسلامی یا اقلیت های دینی شناخته شده و مقررات اجرائی آن، ماده ۱.

⁶⁶. ن. ک. به: Nowak, *ICCPR Commentary*, 505.

⁶⁷. ن. ک. به: *Public Order Act of 1936*, Ch. 6, § 2(1)(b).

(۳) قصدشان تضعیف تمامیت ارضی کشور، بهره جویی از خشونت برای واژگون کردن نظام جمهوری و یا برانگیختن تعصبات نژادی و مذهبی در جامعه است.⁶⁸

قانون احزاب جمهوری اسلامی، به ویژه ماده ۱۶ آن، که فعالیت های مشخصی را ممنوع کرده است، از مرز محدودیت های مشروع یاد شده فراتر می رود. طبق این ماده، احزاب سیاسی مجاز نیستند با گروه ها و یا هیئت های دیپلماتیک کشورهایی ارتباطی برقرار کنند که ممکن است آزادی مردم و استقلال کشور و امنیت ملی را به خطر اندازد.⁶⁹ گرچه در نگاه اول محدودیت های مربوط به ماده ۱۶ می توانند در رابطه با امنیت ملی از منظر قوانین بین الملل قابل قبول شمرده شوند؛ اما باید در نظر داشت که در قوانین بین الملل با توجه به اختیارات گسترده ای که این ماده به دولت می بخشد، این محدودیت تنها هنگامی باید اعمال شود که خطری سیاسی یا نظامی جدی ملت را در کلیت خود مورد تهدید قرار دهد.⁷⁰ خطر سیاسی در این معنا مستلزم آن است که فعالیت فرد یا حزب بیرون از چهارچوب فراگرد سیاسی عادی کشور قرار داشته باشد. بنابراین، صرف علاقه به اصلاح و تغییر، به ویژه اصلاح قانونی خاص یا تغییر در سیاست دولت و یا حتی تلاش برای اصلاح قانون اساسی را نمی توان مصداق «خطر» سیاسی یا نظامی شمرد.⁷¹ منع تماس با دیگران- تماسی که بتواند خطری متوجه آزادی مردم و یکپارچگی کشور کند- که در ماده ۱۶ قانون احزاب جمهوری اسلامی ایران مطرح شده است، مبهم تر از آن است که بتوان معنای دقیق و روشنی از آن استنباط کرد. آزادی و یکپارچگی در این مورد دارای معانی متعدد است و به آسانی می تواند دستاویزی برای آن گروه از مأمورانی شود که همواره آماده سرکوب کردن مخالفان سیاسی دولت اند. به عنوان نمونه، در اسفند ماه ۱۳۸۵، پنج تن از کوشندگان حقوق زن به اتهام «به خطر انداختن امنیت ملی» در تهران دستگیر و زندانی شدند.⁷² در ۵ اردیبهشت ۱۳۸۸،

68. ن. ک. به: Law of Jan. 10, 1936, Art. 1.

69. قانون احزاب ایران، ماده 16- گروه های موضوع این قانون باید در نشریات، اجتماعات و فعالیت های دیگر خود از ارتکاب موارد زیر خودداری کنند: الف) ارتکاب اعمالی که به نقض استقلال کشور منجر شود. ب) هر نوع اطلاعات، مبادله اطلاعات، تبانی و مواضعه با سفارتخانه ها، نمایندگی ها، ارگان های دولتی و احزاب کشور های خارجی در هر سطح و به هر صورت که به آزادی استقلال و وحدت ملی و مصالح جمهوری اسلامی ایران مضر باشد. ج) دریافت هر گونه کمک مالی و تدارکاتی از بیگانگان. د) نقض آزادی های مشروع دیگران. ه) ایراد تهمت، افترا و شایعه پراکنی. و) نقض وحدت ملی و ارتکاب اعمالی چون طرح ریزی برای تجزیه کشور. ز) تلاش برای ایجاد و تشدید اختلاف میان صفوف ملت با استفاده از زمینه های متنوع فرهنگی و مذهبی و نژادی موجود در جامعه ایران. ح) نقض موازین اسلامی جمهوری اسلامی. ط) تبلیغات ضد اسلامی و پخش کتب و نشریات مضله. ی) اختفا و نگهداری و حمل اسلحه و مهمات غیر مجاز.

70. ن. ک. به: Nowak, ICCPR Commentary, 506.

71. ن. ک. به: قانون احزاب ایران.

72. آژانس فرانس پرس، ۴ مارس ۲۰۰۷، «دستگیری کوشندگان حقوق زنان ایران»، ن. ک. به:

مریم مالک نیز به اتهام «تبلیغ علیه نظام» تنها به خاطر شرکت اش در «کمپین تغییر برای برابری» دستگیر و زندانی شد.⁷³ در جمهوری اسلامی احزاب و انجمن های سیاسی باید از تهمت، شایعه پراکنی و افترا زنی بپرهیزند. در دموکراسی های جهان، محدودیت های مشروع به آزادی احزاب که مخل آزادی ها و حقوق دیگران است، غالباً در قوانین ضد توهین و حفظ حریم خصوصی جلوه می یابد. در عین حال، این گونه قوانین محدود کننده آزادی نباید شامل بحث ها و مناظره های سیاسی تند مرسوم در نظام های آزاد مردم سالار شود. این اصل به ویژه هنگام بحث و اظهار نظر درباره شخصیت ها و موضوع های عمومی باید رعایت شود. به سخن دیگر، شایعه پراکنی و متهم کردن شخصیت های فعال و شناخته شده در عرصه های اجتماعی و سیاسی، حتی بر پایه داده های مشکوک و نامعتبر، از تبعات عادی و قابل انتظار پیکارها و رقابت های سیاسی است، به ویژه هنگامی که شهروندان از سیاست های دولت و اوضاع و احوال حاکم بر کشورشان ناخشنود باشند.

با این همه، شاید بتوان اتهام مخالفت با موازین اسلامی و با اساس جمهوری اسلامی را بارزترین نمونه تعدی قانون احزاب سیاسی به آزادی های مشروع و متعارف احزاب و سازمان های سیاسی شمرد. این قانون نه تنها آزادی های مذهبی را بر نمی تابد بلکه فعالیت احزاب سیاسی را نیز، خارج از محدودیت هایی که در میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی پذیرفته شده اند، به بند می کشد.⁷⁴ در واقع، هدف اصلی این قانون جلوگیری از ایجاد و فعالیت احزابی است که پای بند ارزش های ایدئولوژیک جمهوری اسلامی نباشند. بنابراین، هر حزب سیاسی که با اصل ولایت فقیه مخالفت کند و به جدایی دین از حکومت و در نتیجه به تجدید نظر کلی در قانون اساسی معتقد باشد، جایی در عرصه سیاسی کشور نخواهد داشت. آن گروه از رهبران روحانی نیز که به آمیزش دین و حکومت اعتقاد ندارند آماج آزار و تهدید حکومت اند و پیروانشان نیز محروم از حق شرکت در عرصه های تصمیم گیری سیاسی. همان گونه که پیش نویس «میثاق موازین انتخاباتی، حقوق و آزادی» تصریح می کند «لازمه برگزاری انتخابات اصیل تکثرگرایی سیاسی، گوناگونی باورهای ایدئولوژیک و وجود احزاب سیاسی گوناگون است.»⁷⁵ بدون مجموعه ای از آرای متنوع، انتخابات صرفاً نمایشی برای پنهان کردن این واقعیت است که رای دهندگان از داشتن صدایی در

⁷³ ن. ک. به: <http://www.amnesty.org/en/library/info/MDE13/039/2009/en>

⁷⁴ تنها توجیه ممکن حفظ اخلاق عمومی یا دفاع از امنیت ملی است. اما، در این مورد هیچ یک مصداقی نمی یابند.

⁷⁵ ن. ک. به: «پیش نویس میثاق ضوابط انتخابات»، ماده ۴، بند ۲.

فضای سیاسی محروم هستند. این قانون هر نوع تبلیغ علیه اسلام یا انتشار کتاب ها و متون ضاله را نیز ممنوع شناخته است.⁷⁶ این ممنوعیت را به ویژه از آن رو باید خطرناک دانست که، به سبب اختلاط کامل بین دین و حکومت، هر انتقادی از دولت به خودی خود انتقادی از دین و احکام الهی شمرده می شود.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی، شماری روزافزون از احزاب و سازمان های سیاسی برای تعیین نوع نظام نوین به تلاش پرداختند. پس از تثبیت قدرت خمینی و دستیارانش کلیه ی گروه های مخالف سیاسی در پی کمپین خشونت، آزار و تبعید به زانو در آمدند. سرانجام همه ی احزاب سیاسی به استثنای یک حزب ممنوع شدند. این احزاب از تمامی طیف های سیاسی چپ و راست بودند.⁷⁷ بسیاری از این احزاب و سازمان ها، به رهبری شخصیت های سیاسی سرشناس، کمابیش در دوران معاصر در عرصه سیاسی ایران فعال بودند، از آن جمله حزب توده به رهبری نورالدین کیانوری، جبهه ملی به رهبری شاپور بختیار، کریم سنجابی و داریوش فروهر که در ضمن رهبر حزب ملت ایران نیز بود. تنها حزبی که مجاز به ادامه فعالیت شد حزب جمهوری اسلامی بود. مشخصه بارز این حزب ترکیب قدرتمندی از روحانیت، وفاداری به خمینی، دشمنی ژرف با جنبش های لیبرال و گرایش به حمایت از نهاد های انقلابی بود. در دهه ۱۳۶۰ مجلس شورای اسلامی کمابیش در اختیار این حزب قرار داشت.⁷⁸

طبق قانون احزاب، کمیسیون ماده ۱۰ مرکب از یک نماینده از دادستان کل کشور، یک نماینده از قوه قضائیه، یک نماینده از وزارت کشور، و دو نماینده مجلس شورای اسلامی، مسئول تصویب تقاضاهای تشکیل حزب و نظارت بر فعالیت احزاب مجاز است.⁷⁹ این کمیسیون که قرار بود در ظرف ۴۰ روز از تاریخ تصویب قانون احزاب آمادگی اش را برای انجام وظیفه اعلام کند تا سال ۱۳۶۷ تشکیل نشد. وزارت کشور دلیل این تأخیر را اوضاع و احوال پیچیده و بی ثباتی ناشی از جنگ ایران و عراق دانسته است. چنین استدلالی چندان موجه به نظر نمی رسد زیرا

⁷⁶. قانون احزاب ایران، ماده ۱۶.

⁷⁸. ن. ک. به: Shaul Bakhash, *The Reign of the Ayatollahs*, (Basic Books, 1986), 67.

⁷⁹. ن. ک. به: قانون احزاب ایران، ماده ۱۰.

مشکل بتوان باور کرد که تشکیل یک کمیته پنج نفره مشکل تر از برگزاری انتخابات مجلس شورای اسلامی در دوران جنگ بوده است.⁸⁰

پایان جنگ با عراق نیز به تحول تازه ای نینجامید. در سال ۱۳۶۶ حزب جمهوری اسلامی تصمیم به انحلال خود گرفت. کمیته ماده ۱۰ هیچ یک از ۳۰ تقاضایی را که تا بهمن ماه سال ۱۳۶۷ برای تشکیل حزب دریافت کرده بود نپذیرفت.⁸¹ اگرچه رهبران و شخصیت های سیاسی همچنان در کار تشکیل ائتلاف ها و گروه بندی های غیررسمی اند، فعالیت های حزبی (تشکیل کنگره، اعلام اهداف سیاسی حزب، ارتباط با هواداران حزب) به چشم نمی خورد. تقریباً همه ۲۲۳ سازمان سیاسی به ثبت رسیده گروه های کوچک و کمابیش گمنام مذهبی اند و از مدافعان رژیم جمهوری اسلامی و ولایت فقیه. مروری بر فهرست نام این تشکیلات خود نشانی از پایین بودن میزان تحمل رژیم است: انجمن مهندسان اسلامی خراسان، انجمن آموزگاران اسلامی ایران، انجمن روحانیت مبارز تبریز، و سازمان اسلامی زنان پیرو راه زهرا.⁸² کمابیش همه این سازمان ها به تصریح بر اسلامی بودن خود تأکید می کنند و هیچ یک از آنان را نمی توان سازمانی سکولار، لیبرال یا سوسیالیست شمرد.

واکنش رژیم جمهوری اسلامی حتی به امکان تشکیل احزابی که از خط مشی رسمی تبعیت نکنند همواره با خشونت همراه بوده است. در سال ۱۳۷۷، داریوش فروهر، رهبر حزب ملت ایران و وزیر کار حکومت بازرگان، و همسرش به فجیع ترین وضع به دست مأموران رژیم در خانه خویش به ضرب چاقو کشته شدند.⁸³ عباس خرسندی، پیش از آن که حزبش فرصت درخواست مجوز داشته باشد به ۸ سال حبس محکوم شد.⁸⁴ در مرانامه حزب مورد نظرش، حزب دموکرات ایران، بر پیروی ایران از الگوی اعلامیه جهانی حقوق بشر تأکید شده بود. این مرانامه بر آزادی تجمعات و تشکلات، حقوق مدنی برابر، جدایی دین و ایدئولوژی از حکومت،

⁸⁰. ن. ک. به:

Stephen C. Fairbanks, "Theocracy Versus Democracy: Iran Considers Political Parties," *Middle East Journal* 52, no. 1 (Winter 1998), 21.

Ehteshami, *After Khomeini*, 43. ⁸¹. ن. ک. به:

⁸². ن. ک. به:

"Characteristics of Political Organizations," published by the Bureau of Political Affairs, Ministry of the Interior.

⁸³. ن. ک. به: *New York Times*, November 23, 1998.

⁸⁴. ن. ک. به: <http://www.iranhumanrights.org/tag/abbas-khorsandi>

منع شکنجه، و آزادی زندانیان سیاسی اصرار می کرد.⁸⁵ حتی کسانی که هواداران جمهوری اسلامی اند، یا زمانی بوده اند، از غضب و خشم رژیم در امان نیستند. در سال ۱۳۶۲، مهدی بازرگان، نخستین نخست وزیر برگزیده خمینی پس از انقلاب، کوشید تا حزبی به نام «نهضت آزادی» را به ثبت رساند اما درخواستش بیش از یک دهه بی پاسخ ماند.⁸⁶ هنگامی که نماینده سازمان ملل متحد علت تأخیر را از وزیرکشور جمهوری اسلامی جویا شد پاسخ وزیر این بود که «در ظرف ۱۲ سال گذشته هیچ سازمانی برای ثبت یک حزب سیاسی از ما درخواستی نکرده است.»⁸⁷

ت) رأی دادن اجباری

بهره جویی رژیم از شیوه های گوناگون برای کشاندن شهروندان به حوزه های رأی گیری نبودن انتخابات آزاد در جمهوری اسلامی ایران را از آنچه هست آشکارتر کرده است. برای قانع ساختن جامعه بین المللی به وجود یک نظام «دموکراتیک» در ایران رهبران جمهوری اسلامی شرکت شماری هرچه بیشتر از شهروندان در انتخابات را به شدت ضروری می شمردند. از آغاز عمر رژیم جمهوری اسلامی آیت الله خمینی به ایرانیان هشدار می داد که رأی دادن تکلیف مذهبی و عینی همه آنان است.⁸⁸ سرخوردگی ایرانیان از کارنامه خاتمی در دوران ریاست جمهوری اش همراه با تصمیم شورای نگهبان به رد کردن صلاحیت ۸۲۰۰ تن از نامزدان نمایندگی مجلس، از جمله ۸۰ تن از نمایندگان سابق مجلس، شمار رأی دهندگان در انتخابات ۱۳۸۳ را به نحو قابل ملاحظه ای کاهش داد و رهبران رژیم را نسبت به بازتاب این کاهش در افکار عمومی جهان نگران تر از همیشه کرد.⁸⁹ گرچه هیچ قانون یا دستورالعمل رسمی ایرانیان را مکلف به رأی دادن نمی کند، رژیم می تواند به آسانی از هویت کسانی که در انتخابات از رأی خودداری می کنند آگاه شود زیرا شناسنامه همه رأی دهندگان مهر خواهد خورد. به ادعای یک خبرنگار اینترنتی در انتخابات کنونی ایران هر رأیی که به صندوق ریخته شود حاوی مشخصات رأی دهنده است. به

⁸⁵ ن. ک. به: منشور حزب دموکرات ایران در: <http://www.irandp.org/1.html>.

⁸⁶ ن. ک. به: UN Doc. E/CN.4/1995/55, paragraph 59.

⁸⁷ ن. ک. به: همانجا.

⁸⁸ ن. ک. به:

John O'Kane and Asghar Schirazi, *The Constitution of Iran: Politics and the State in the Islamic Republic*, trans. John O'Kane (I.B. Tauris, 1997), note 5, p. 32.

⁸⁹ ن. ک. به:

Nazila Fathi, "Hard-Line Iranian Council Bars Thousands From Vote," *New York Times*, January 12, 2004.

این ترتیب، رأی دهندگانی که در انتخابات گذشته می توانستند رأی سفید به صندوق بریزند امروز از چنین کاری می هراسند.⁹⁰ به ویژه ایرانیانی که ناچار به ارائه روزمره شناسنامه اند ممکن است آماج فشار و آزار مأموران شوند، از جمله دانشجویان دانشگاه و مأموران امنیتی و انتظامی.

افزون براین، طبق برخی گزارش ها سربازان یک پادگان نظامی در شمال شرقی ایران را با کامیون به یک حوزه انتخاباتی برده اند تا به نامزدان از پیش تعیین شده رأی دهند.⁹¹ براساس گزارش های دیگر، اقلیت های قومی گوناگون، به ویژه ترکمن ها، آماج فشارهای بیشتر اند زیرا برای دسترسی به شغل و خدمات دولتی بیشتر از دیگران مورد تبعیض قرار می گیرند.⁹² درخواست برای دریافت برخی پروانه های کسب نیز باید همراه با کپی همه برگ های شناسنامه درخواست کننده باشد، شامل برگ مخصوص مهر شرکت در انتخابات.⁹³ متقاضیان گذرنامه نیز باید مدرک شرکتشان در انتخابات را ارائه کنند.⁹⁴ شرط رأی دادن برای استخدام در نهادهای دولتی نیز ضروری است. به عنوان نمونه، در آگهی استخدام وزارت مسکن و شهرسازی نیز تأکید شده است که متقاضی شغل باید کپی برگ های اول و آخر شناسنامه اش را ارائه کند زیرا مهر شرکت در انتخابات معمولاً در برگ آخر زده می شود.⁹⁵

مقامات دولت جمهوری اسلامی تنها به وادارکردن مردم به شرکت در انتخابات و رأی دادن اکتفا نمی کنند. کسانی نیز که شرکت در انتخابات را تحریم می کنند گاه بهایی سنگین می پردازند. در اوایل سال ۱۳۸۳، مقامات دولتی چند دانشجوی دانشگاه تبریز را که با پخش اعلامیه مردم را به تحریم انتخابات تشویق می کردند دستگیر و زندانی کردند.⁹⁶ در اردیبهشت همان سال، ۱۶ تن از دانشجویان دانشگاه یزد، به خاطر هواداری از تحریم انتخابات مجلس، متهم به تبلیغ علیه نظام جمهوری اسلامی شدند.⁹⁷ وزارت اطلاعات نیز به نوبه خود دانشجویانی را که مردم را به

⁹⁰ ن. ک. به: <http://74.125.47.132/search?q=cache:A5Q0gatmrcgJ:www.shekkar.com>

⁹¹ ن. ک. به: http://web.peykeiran.com/net_iran/irnewsbody.aspx?ID=19360

⁹² ن. ک. به: <http://www.azatlyk.net/31F.htm>

⁹³ ن. ک. به: مقررات اطاق تجارت قم در:

http://74.125.113.132/search?q=cache:7IIV7w_Qii0J:www.bazarganiqom.ir/main

⁹⁴ ن. ک. به:

Dieter Nohlen, Florian Grotz, and Christof Hartmann, *Elections in Asia and the Pacific: The Middle East and Central Asia* (Oxford University Press, 2001), 64.

⁹⁵ ن. ک. به: www.sbainfo.ir/newsdetail_21384_fa_html

⁹⁶ ن. ک. به: امروز، ۱۴ مارس ۲۰۰۸ در:

<http://emruz.biz/ShowItem.aspx?ID=13728&p=1>

⁹⁷ ن. ک. به:

http://www.jdi-khorasan.blogspot.com/2004_02_01_jdi-khorasan_archive.htm

تحریم انتخابات فرا خوانده بودند از سخنرانی در محوطه دانشگاه منع کرد.⁹⁸ کار تا آن جا پیشرفت که مأموران انتظامی شناسنامه های بازاریان و کسبه را نیز طلب می کردند تا با موضع آنان نسبت به انتخابات آگاه شوند. به گزارش یکی از خبرنگاران آمریکایی: «اگر مأموران پی ببرند که تو رأی نداده ای تو را مخالف رژیم قلمداد می کنند، نشانی خانه و محل کارت را می پرسند و حتی می توانند مغازه ات را هم ببندند. کاری هم از دستت بر نمی آید.»⁹⁹

ث) محدودیت های حاکم بر رسانه های خبری

در جمهوری اسلامی نشریات همگی زیر کنترلند. این نظارت ناشی از خواست و رأی مقام و مأمور خاصی نیست و به فضای سیاسی نیز ارتباط چندانی ندارد. در قانون اساسی آمده است که: «وسائل ارتباط جمعی (رادیو - تلویزیون) بایستی در جهت روند تکاملی انقلاب اسلامی در خدمت اشاعه فرهنگ اسلامی قرار گیرد»¹⁰⁰ از همین رو باید: «از اشاعه و ترویج خصالت های تخریبی و ضد اسلامی جداً پرهیز کند.»¹⁰¹ در اوایل ریاست جمهوری خاتمی با افزایش شمار روزنامه ها و مجلات و بازتر شدن محدوده تفسیرها و بحث های سیاسی، از میزان نظارت و کنترل دولت بر نشریات تا حدی کاسته شد. اما، در دوران پایانی ریاست جمهوری خاتمی فضای مدارا و مسالمت رو به تحلیل رفت و با آغاز دوران محمود احمدی نژاد به پایان رسید. این موضوع هم چنین به دلیل تلاش های بی دریغ سعید مرتضوی دادستان سابق تهران بود که به دلیل اقدام به توقیف پی در پی روزنامه ها به قصاص مطبوعات شهرت یافته بود. در دوره دادستانی مرتضوی بسیاری از مطبوعات بسته شدند و یا تحت فشار و ارباب خود تصمیم به تعلیق انتشار گرفتند. دادگاه ها به کرات حکم منع صدور مجوز برای نشریات صادر کردند.¹⁰² روزنامه نگاران نیز با فشارها و خطرهای بیشتر و سخت تر روبرو شده اند. گزارشگران نیز اغلب زندانی می شوند. در این میان رسانه های ارتباطی الکترونیکی نیز مشمول این محدودیت ها و فشارها بوده اند. در واقع محدودیت هایی که امروز در ایران بر این گونه رسانه ها تحمیل

⁹⁸. ن. ک. به:

http://www.60000000.com/news/archives/2005/05/oeoeoe_uoieu_uo.php

⁹⁹. ن. ک. به:

Laura Secor, "The Rationalist," *New Yorker*, February 2, 2009, p. 37.

¹⁰⁰. ن. ک. به: مقدمه قانون اساسی جمهوری اسلامی.

¹⁰¹. ن. ک. به: همان.

¹⁰². ن. ک. به:

Hadi Ghaemi, "For Iran, the Man is the Message," *New York Times*, June 29, 2006.

شده از سخت ترین آن ها در دنیاست. جمهوری اسلامی، با بهره جویی از آخرین ابزار جلوگیری از خبرپراکنی رسانه های الکترونیکی، مانع رسیدن امواج بسیاری از تارنماهای خارجی به ایران شده و برخی از محبوب ترین وبلاگ نویسان ایرانی را به اتهام طرح مسائل حساس سیاسی به زندان افکنده است¹⁰³ جلوگیری شدید رژیم از جریان آزاد اطلاعات و مباحثات سیاسی، انجام انتخابات آزاد در ایران را غیر ممکن ساخته است.

¹⁰³. ن. ک. به:

Robert Tait, "Iran Bans Fast Internet to Cut West's Influence," *Guardian* (London), October 18, 2006.

۳- انتخابات در کشورهای مشابه: مالزی و پاکستان

برخی از ایران شناسان غربی از ایران به عنوان تنها کشور خاورمیانه نام می برند که در آن انتخابات ادواری برگزار می شود. به اعتقاد آنان مقایسه کردن ایران با کشورهای دموکراتیک غربی منطقی نیست. با نگاهی به تاریخ ایران و سطح توسعه اجتماعی - اقتصادی در این کشور، نمیتوان انتظار داشت که انتخابات ایران در سطح اصالت انتخابات نروژ یا کانادا باشد. بدون توجه این استدلال نیز میتوان در مقایسه این انتخابات با موارد مشابه در کشورهای قابل مقایسه خود میزان نابرابر بودن آنها محک زد. مالزی و پاکستان هر دو جوامع بزرگ در حال رشد و با اکثریت مسلمان اند و گرچه نهادهای دموکراتیک در آنها هنوز به رشد مطلوب نرسیده اند، نمی توان آنها را در حد عربستان یا برمه جوامع استبدادی شمرد. شاید «جوامع اقتدارگرای رقابتی» لقب مناسب تری برایشان باشد. «گرچه انتخابات ادواری در این جوامع انجام می شوند، نمایندگان انتخاب شده از مقام شان سوء استفاده می کنند، رقبای انتخاباتی و سیاسی خود را از دسترسی مناسب به رسانه های خبری و تبلیغاتی باز می دارند و گهگاه حتی نتایج انتخابات را تغییر می دهند.¹⁰⁴ گرچه از برخی جهات شباهت هایی بین کشورهای مورد مقایسه به چشم می خورد، اما نظام های انتخاباتی پاکستان و مالزی آشکارا از نظام انتخاباتی جمهوری اسلامی برتر اند. با ارزیابی نظام های انتخاباتی این دو کشور از جمله مقرراتشان در خصوص شرایط نامزدی، احزاب سیاسی و آزادی مطبوعات، و مقایسه آنها با نظام انتخاباتی در جمهوری اسلامی، مسائل و کاستی های دامن گیر نظام انتخاباتی این رژیم روشن تر از همیشه می شود.

الف) پیشینه نظام های سیاسی پاکستان و مالزی

نظام سیاسی مالزی، از زمان رسیدن به استقلال از انگلستان در سال ۱۳۴۲ (۱۹۶۱م)، یک نظام فدرال پادشاهی بوده است. قوه مقننه این کشور شامل یک مجلس عوام و یک مجلس سنا است که از الگوی مجلس عوام و لردهای انگلستان اقتباس شده است. نخست وزیر کشور نماینده مجلس عوام و با رأی اکثریت نمایندگان دو مجلس به این مقام منصوب می شود. از هنگام جدایی و استقلال از هندوستان در سال ۱۳۲۶ (۱۹۴۷ م)، تاریخ پاکستان شاهد دوره های ناپایدار

¹⁰⁴ ن. ک. به: Steven Levitsky and Lucan A. Way, "The Rise of Electoral Authoritarianism," *Journal of Democracy* 13, no. 2 (April 2002), 53.

دموکراسی بوده است که هر بار به حکومت های نظامی منجر شده اند. دو مجلس عوام و سنا ارکان نظام پارلمانی این کشور اند. به رغم توجه روزافزون افکار عمومی به خطرات رو به رشد قیام طالبان و دوران سخت گذار از حکومت نظامی مشرف به حکومت غیر نظامی، همچنان شجره نامه دموکراتیک پاکستان یک مطالعه موردی جالب است. پاکستان دارای دو مجلس مقننه شامل مجلس سنا و مجلس شورای ملی میباشد. رئیس جمهور با رأی نمایندگان دو مجلس سنا و شورای ملی و چهار مجلس محلی انتخاب می شود و نخست وزیر معمولاً رهبر حزب اکثریت در مجلس شورای ملی است.

ب) نظارت بر انجام انتخابات

گرچه در قانون اساسی مالزی به انتخابات اشاره شده است، قوانین عادی نحوه برگزاری هر یک از دوره های انتخاباتی را تعیین می کنند.¹⁰⁵ سازماندهی و نظارت بر جریان انتخابات بر عهده کمیسیونی ظاهراً مستقل است. اعضای این کمیسیون از سوی¹⁰⁶ پادشاه تعیین می شوند و تا سن ۶۵ سالگی عضویت این کمیسیون را بر عهده دارند.¹⁰⁷ برگزیدن اعضا باید "به گونه ای باشد که کمیسیون انتخابات مورد اطمینان مردم باشد."¹⁰⁸ اعضای کمیسیون را، که با حقوق ماهانه و برای مدت مشخصی برگزیده می شوند، تنها می توان با همان ترتیبی برکنار کرد که در برکناری قضات دیوان عالی کشور رعایت می شود.

در پاکستان انتخابات بر اساس ترکیبی از اصول قانون اساسی و قوانین عادی زیر نظر کمیسیون نظارت بر انتخابات انجام می گیرد. این کمیسیون مرکب از رئیس کمیسیون و ۴ عضو دیگر است که از میان قاضی های دیوان عالی ایالتی، از سوی رئیس جمهوری برگزیده می شوند.¹⁰⁹ وظیفه اصلی کمیسیون نظارت بر این امر است که انتخابات «به درستی، عادلانه، منصفانه، عاری از هرگونه دخالت نامشروع و طبق قانون انجام پذیرد.»¹¹⁰ رئیس کمیسیون

105. ن. ک. به:

S. Sothi Rachagan, *Law and the Electoral Process in Malaysia* (Kuala Lumpur: University of Malaysia Press, 1993), 218.

106. ن. ک. به: قانون اساسی مالزی، ماده ۱۱۴، بند ۱.

107. ن. ک. به: همان، ماده ۱۱۴، بند ۳.

108. ن. ک. به: همان، ماده ۱۱۴، بند ۲.

109. ن. ک. به: قانون اساسی پاکستان، مواد ۲۱۳ و ۲۱۸.

110. ن. ک. به: همان، ماده ۲۱۸، بند ۳.

نظارت بر انتخابات را تنها به ترتیبی که برای برکنار کردن قضات دادگستری تعیین شده است می توان برکنار کرد. بر خلاف اعضای کمیسیون نظارت بر انتخابات مالزی، اعضای کمیسیون پاکستان برای انجام وظایفشان در کمیسیون از حقوق و مزایایی برخوردار نمی شوند.¹¹¹

وجود کمیسیون های مستقل نظارت بر انتخابات در مالزی و پاکستان در تضاد بارز با نبود هر نوع نهادی در جمهوری اسلامی است که بتواند بی طرفانه انجام انتخابات عادلانه را تنظیم کند. اختیار بی حد و مرز شورای نگهبان در رد صلاحیت نامزدان انتخاباتی برگزاری انتخابات واقعی و رقابتی را به هدفی غیر قابل تحقق تبدیل کرده است. نامزدان رد شده حق دارند از شورای نگهبان بخواهند که توضیحی کتبی در باره دلایل رد صلاحیت شان به آن ها ارائه کند، اما تاکنون هیچ یک از آن ها چنین توضیحی دریافت نکرده است.¹¹²

پ) شرایط نامزدی انتخابات و تشکیل احزاب سیاسی

شرایط نامزدی در انتخابات مالزی معقول و منطقی به نظر می رسند. شرط اصلی داشتن حد اقل سن است که برای مجلس عوام ۲۱ سال و برای مجلس سنا ۳۰ سال تعیین شده. صلاحیت نامزدی را تنها به دلایل زیر می توان رد کرد: (الف) جنون یا مشکوک به داشتن جنون؛ (ب) ورشکستگی به تقصیر؛ (پ) قصور در ارائه فهرست هزینه تبلیغات انتخابی پیش از پایان مهلت مقرر، (ت) محکومیت به حد اقل یک سال زندان یا پرداخت ۲ هزار رینگیت به خاطر ارتکاب جرم قابل تعقیب در مالزی. شرایط نامزدی برای انتخاب شدن به مجلس شورای ملی پاکستان از شرایط مالزی در این زمینه پیچیده تر اند. و رای شرط سن و تابعیت و نداشتن پیشینه محکومیت به جرایم مرتبط با فساد اخلاق و یا شهادت دروغ، نامزد انتخابات باید از شماری موانع پرسش انگیز نیز عبور کند.¹¹³ نخست اینکه دارای شخصیت پسندیده بوده و به «تخطی از احکام اسلامی» شهرت نداشته باشد.¹¹⁴ دوم، «علیه تمامیت کشور و مبانی اسلامی پاکستان اقدام نکرده باشد»¹¹⁵

111. ن. ک. به: همان، ماده ۲۱۵، بند ۲.

112. ن. ک. به: قانون انتخابات ایران.

113. همان، ماده ۶۲، بندهای الف، ب، پ، و ج.

114. همان، ماده ۶۲، بندهای ث و ج.

115. قانون انتخابات ایران، ماده ح. ایدئولوژی پاکستان را نخست محمدعلی جناح، بنیان گذار این کشور، به قصد ایجاد و تثبیت هویت ملی مردم تازه به استقلال رسیده، طراحی کرد. پاره های اصلی این ایدئولوژی از جمله عبات بودند از: اسلام، جدائی از هند، دموکراسی و فدرالیسم. در دوران حکومت ضیاءالحق، حاکم نظامی پاکستان از ۱۹۷۷ تا ۱۹۸۸، شریعت اسلام به عنوان ایدئولوژی کشور به رسمیت شناخته شد و در نتیجه نقش مذهب در جامعه و دولت و سیاست برتری یافت. برای آگاهی های بیشتر ن. ک. به:

شرایط لازم برای دسترسی به مقام های انتخابی در مالزی، برخلاف موازین تعیین شده در جمهوری اسلامی، کاملاً با موازین حقوق بین الملل سازگار اند. در پاکستان، اما، شرایط - به ویژه در ارتباط با تقوای اسلامی و مبانی اسلامی این کشور - مساعد برای انتخابات آزاد و منصفانه نیستند ولی به هر حال این محدودیت ها از آن چه حاکم بر نامزدهای انتخاباتی در نظام جمهوری است بسیار سبک تر اند. نخست، به این دلیل که کمیسیون نظارت بر انتخابات پاکستان شرط مربوط به موازین اسلامی را به ندرت ضابطه ای برای رد صلاحیت نامزدها شمرده است. دوم، در پاکستان نامزدان غیرمسلمان از شرط مربوط به سازگار بودن رفتارشان با موازین اسلامی معاف شده اند، حال آن که در رژیم اسلامی ایران تنها مسلمانان می توانند نامزد نمایندگی مجلس شوند (به استثنای نامزدان پنج کرسی نمایندگی که اختصاص به نمایندگان غیر مسلمان دارد).¹¹⁶ و سرانجام، اسلامیت پاکستان، گرچه واژه ای سنگین و پرهیبت است در حقیقت تنها دربرگیرنده اصولی است که جوامع پیشرفته دموکراتیک به تصریح یا تلویح آن ها را معتبر می شمرند: تمامیت ارضی کشور، فدرالیسم، دموکراسی و هویت ملی. این اصول ارتباطی به تعهد نامزد انتخابات در ایران به وفاداری به حکومت دین سالار و یا پذیرفتن پیامدهای اقتصادی و اجتماعی آن ندارد.

ت) احزاب سیاسی

در مالزی احزاب سیاسی دیری است که از ارکان مهم عرصه سیاسی کشور بوده اند و محدودیت خاصی از سوی قانون اساسی یا قوانین عادی در باره تشکیل و فعالیت های این گونه احزاب تدوین نشده است. حکومت مالزی به طور کلی «به احزاب مخالف دولت، به اصناف و انجمن های حرفه ای گوناگون و به گروه های متمرکز بر یک هدف یا آرمان مشخص، اجازه فعالیت برای عضوگیری و یا جلب هوادار داده است.»¹¹⁷ گرچه از آغاز استقلال کشور تنها یک حزب بر آن حکومت کرده، «احزاب رقیب از آزادی های سیاسی بهره برده و توانسته اند به فعالیت

Stephen P. Cohen, *The Idea of Pakistan*, Brookings Institution Press, 2004, pp.170-171.

¹¹⁶. قانون اساسی پاکستان، ماده ۶۲.

¹¹⁷. ن. ک. به:

William Case, "Semi-Democracy in Malaysia: Withstanding the Pressures for Regime Change," *Pacific Affairs* 66, no. 2 (Summer 1993), 186.

های تبلیغاتی و انتخاباتی پردازند و حتی گاه کنترل مجالس محلی را به دست گیرند.¹¹⁸ ناتوانی احزاب رقیب بیشتر ناشی از نبود همکاری لازم بین آن‌ها و سوء استفاده‌های غیر رسمی توسط ائتلاف حاکم بوده است تا محدودیت آزادی و حقوقشان.¹¹⁹

در پاکستان فعالیت احزاب سیاسی گهگاه دچار محدودیت‌هایی بوده است. از جمله حزب کمونیست این کشور در سال ۱۳۲۹ (۱۹۵۰م) غیرقانونی اعلام شد و در دولت نظامی ایوب خان همه احزاب سیاسی برای ۴ سال منحل شدند. با این همه، این احزاب در عرصه سیاسی کشور نقش مهم و قابل ملاحظه‌ای ایفا کرده‌اند.¹²⁰ گرچه فساد از مسائل دیرینه دولت پاکستان است این احزاب به تناوب به قدرت می‌رسند و هریک از پشتیبانی بخش قابل ملاحظه، اما رو به کاهش، مردم بهره‌مندند.¹²¹ امروز، احزاب سیاسی پاکستان بر اساس شرایطی فعالیت می‌کنند که در سال ۱۳۸۱ (۲۰۰۲م) در یک نظامنامه قانونی تصریح شده است. طبق این نظامنامه، احزاب سیاسی نمی‌توانند به تبلیغ و ترویج باورها و شعارهایی پردازند که ناسازگار با «اصول بنیادی تصریح شده در قانون اساسی جمهوری اسلامی پاکستان باشند.»¹²² افزون بر این، احزاب سیاسی نمی‌توانند مبلغ فرقه‌گرایی مذهبی، و کینه‌توزی‌ها محلی و ایالتی باشند.¹²³ مهم‌تر از همه، کلیه شهروندان پاکستان از حق تشکیل حزب و عضویت در احزاب سیاسی کشور برخوردارند.¹²⁴

مقایسه‌ای بین وضع دو کشور مالزی و پاکستان با ایران نشان می‌دهد که فضای حاکم بر جمهوری اسلامی تا چه حد برای فعالیت احزاب سیاسی تنگ و خفقان‌آور است. به ویژه، تضاد بین وضع ایران و پاکستان در این میان چشم‌گیر است. برخلاف ایران، قوانین پاکستان حق همه شهروندان را به تشکیل حزب به رسمیت می‌شناسد. افزون بر این، در این کشور احزاب مجبور به رعایت هیچ شرط یا حکم مذهبی نیستند.

¹¹⁸. ن. ک. به: همان، ص ۱۸۸.

¹¹⁹. ن. ک. به:

Andrea Ufen, "The Transformation of Political Party Opposition in Malaysia and its implications for the Electoral Authoritarian Regime," *Democratization* 16, no. 3 (June 2009), 605-06.

¹²⁰. ن. ک. به:

Christ Candland, *Labor, Democratization and Development in India and Pakistan*, (Routledge, 2008), 78.

¹²¹. ن. ک. به: Diamond, "Is Pakistan the (Reverse) Wave of the Future?" 92.

¹²². ن. ک. به: Political Parties Order (2002) Art. 3(4)(a).

¹²³. ن. ک. به: همان، ماده ۳، بند ۴، پاراگراف ث.

¹²⁴. ن. ک. به: همان، ماده ۵.

ث) محدودیت (نظارت) بر رسانه ها

رسانه ها در مالزی از آزادی نامحدود برخوردار نیستند. دولت، با بهره جوی از شرایط مربوط به صدور پروانه، رسانه های متمایل به گروه های مخالف خود را محدود و گاه تعطیل می کند و به این ترتیب مانع تبلیغ و ترویج این گروه از رسانه ها می شود.¹²⁵ با این همه، دولت کنترل کامل رسانه های ارتباطی را در اختیار ندارد. به این دلیل عمده که همه نشریه ها و بیشتر ایستگاه های رادیویی در اختیار بخش خصوصی و معمولاً زیر نفوذ احزاب حاکم بر دولت اند.¹²⁶ مهمتر از این، گسترش رسانه های ارتباطی الکترونیکی از جمله شبکه ها و سایت های اجتماعی، به گروه ها و احزاب مخالف دولت اجازه داده است که محدودیت اعمال شده بر رسانه های سنتی را دور بزنند. از سوی دیگر، دولت نیز از تلاش برای کنترل رسانه های الکترونیکی دست کشیده و فضای قابل ملاحظه ای برای مانور احزاب سیاسی باز گذاشته اند.¹²⁷ امروز بخشی بزرگ از محدودیت های که در دوران ریاست جمهوری پرویز مشرف بر رسانه های ارتباطی پاکستان تحمیل شده بود از میان رفته اند.¹²⁸

در مقایسه با مالزی و پاکستان، محدودیت هایی که رژیم اسلامی ایران بر رسانه های ارتباطی و الکترونیکی تحمیل کرده است به هیچ روی با آزادی های لازم برای برگزاری انتخابات آزاد و منصفانه سازگار نیست. در واقع، دولت جمهوری اسلامی کنترل کامل همه ایستگاه های رادیویی و تلویزیونی ایران را در اختیار دارد. به این ترتیب نه تنها با تعطیل و توقیف و سانسور روزنامه ها و نشریه های سیاسی بلکه با تلاش روزافزون برای جلوگیری از مبادله الکترونیکی اخبار و آگاهی ها و یا تصفیة پیام های الکترونیکی، دولت جمهوری اسلامی توانایی کنشگران سیاسی و عموم مردم را برای جمع آوری اطلاعات و بحث و تبادل نظر به شدت کاهش داده است.

¹²⁵

Asian Network for Free Elections: Malaysia. Report of the 1999 Election Observation Mission 25 November- 1 December, Bangkok 2000, 20.

¹²⁶

Rainer Heufers, "The Politics of Democracy in Malaysia," *ASIEN* 85 (October 2002), 57.

Ulfen, "Transformation of Political Party Opposition in Malaysia", 616.

¹²⁷

¹²⁸

Griff Witte, "Pakistan Suspends Media Restrictions; Crackdown was Widely Criticized," *Washington Post*, June 8, 2007.

بیهوده نیست که گروه گزارشگران بدون مرز ایران را از لحاظ آزادی رسانه ها در سال ۲۰۰۷ به رده ۱۶۷ در جهان فرود آورده است. تنها کره شمالی، برمه و اریتره، دستکم در این مورد، سرنوشت غم انگیزتری از ایران دارند.

۴) فشرده سخن

انتخابات در جمهوری اسلامی با حداقل موازین و اصول پذیرفته شده بین المللی نیز سازگار نیست. در این انتخابات مردم ایران فرصتی برای شرکت آزادانه در تصمیم گیری های مربوط به زندگی و سرنوشت خویش نمی یابند. محدودیت های مذهبی و سیاسی به پیدایش نظامی منجر شده که تصمیم گیری های اساسی را در انحصار گروهی اندک از حاکمان خودبرگزیده قرار داده است. مهم تر از این، ابعاد مسئله تنها به شخصیت، اهداف و برنامه کسانی که امروز بر رأس هرم قدرت سیاسی قرار دارند، و یا به تفسیر انحصارطلبانه آنان از قانون اساسی، محدود نمی شود. گره اصلی ماهیت قوانین جاری در جمهوری اسلامی است، از قانون اساسی گرفته تا قوانین و مقررات و تصویب نامه های دولتی. به یقین می توان گفت که حتی در مقایسه با نظام های ناقص انتخاباتی مالزی و پاکستان نیز انتخابات در جمهوری اسلامی را باید یکسره تهی از اصالت و مشروعیت و معنا شمرد.

برای این که ادعای حکومت ایران مبتنی بر برگزاری انتخابات واقعی تحقق یابد، جمهوری اسلامی ایران باید بی درنگ اصلاحات متعددی را به اجرا گزارد. اول، و از همه مهمتر، اختیارات شورای نگهبان در رد صلاحیت کاندیداهای مجلس و ریاست جمهوری از بین برود.

ماموریت نظارت بر انتخابات نباید به یک قدرت عمومی برای تغییر فهرست نامزدهای انتخاباتی قابل تبدیل شود. علاوه بر این، شرط باور و تعهد کامل نامزدها به سیستم فعلی باید برداشته شود. این امر مستلزم تغییراتی در قانون اساسی است که پیشنهادات و طرح های مربوط به تغییرات ساختاری در جامعه و سیاست کشور را مجاز و قانونی کند. بدون این تغییرات اساسی، انتخابات در جمهوری اسلامی چیزی بیش از تصویب وضع موجود نخواهد بود. علاوه بر این، الزامات مذهبی و استانداردهای مبهم برای "شهرت بد و فساد" باید از بین بروند. نکته مهم دیگر آنکه محدودیت در تشکیل احزاب سیاسی باید به شکل قابل ملاحظه ای آسان شوند. ترجیحاً، شرط ثبت نام حذف شود. یا دست کم، روند ثبت نام باید کارآمد و شفاف باشد؛ بررسی فرم های ثبت نام باید در اسرع وقت انجام پذیرد و رد کردن درخواست ها باید همراه گزارشی تشریحی از کلیه دلایل رد نامزدی و فراهم آوردن فرصت برای درخواست تجدید نظر باشد. در نهایت،

محدودیت های دولتی بر رسانه ها باید کاهش یابد. بدون حضور فرصت های موثری که توسط مردم دیده و شنیده شود هیچ نامزد انتخاباتی و یا حزب سیاسی نمی تواند امید به برگزاری یک رقابت موثر در انتخابات داشته باشد. چه از طریق تلویزیون و رادیو، مطبوعات سنتی، و یا فضای مجازی، یک انتخابات واقعی بستگی به مناظرات کامل و انتشار نظریات و اطلاعات کاندیداها دارد. بدون اصلاحات اساسی، انتخابات ریاست جمهوری در ایران همچنان ناقص استانداردهای بین المللی باقی خواهد ماند.



The Abdorrahman Boroumand Foundation

Neither Free Nor Fair

Elections in the Islamic Republic of Iran

Farid Hekmat



3220 N St NW, Suite 357
Washington, DC 20007

Promoting human rights and democracy in Iran

در دفاع از حقوق بشر و دموکراسی در ایران